

در حمایت از مردم اوکراین علیه تهاجم دولت روسیه

صفحه ۲



در حمایت از مردم اوکراین
علیه تهاجم دولت روسیه

8 مارس؛ انقلاب زنانه و قدرت زیروروکننده آن

یاشار سهندی، صفحه ۶

مطالبه بی سراسری، تبدیل موضوع دستزده یک مطالبه بی عمومی

بهر روز بروز، صفحه 4

سه اطلاعیه حزب، صفحات ۷ و ۱۱

۱۵ اسفند: تجمعات بازنشنگان تاسین اجتماعی و فولاد در خدین شهر

تجمع کارگران شهرداری تبریز و پتروشیمی آبادان و محکومیت میراد سپرداتی به ۴ سال حبس

جان سپیده قلیان در خطر است!

کفگفتوی ندای زنان ایران به مناسبت ۸ مارس با فعالین کارگری و اجتماعی و حقوق زن

برگرفته از مدیای اجتماعی، صفحات ۲۰-۱۳

دیگر مطالب برگرفته از مدیای اجتماعی، صفحات ۷ و ۲۰-۱۰

کرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن!

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۱۶

۹ اسفند ۱۴۰۰

۲۸ فوریه ۲۰۲۲



چهارشنبه ها منتشر میشود

تجمع اعتراضی کارگران
قراردادی نیشکر هفت تپه و
مطالبات فوری کارگران این
مجتمع ۵ هزار نفره
صفحه ۳

ادامه اعتصاب در کاغذ پارس
هفت تپه و معدن سنگرود
صفحه ۳

اخباری از خوزستان
کمیته سازمانده حزب
کمونیست کارگری، واحد خوزستان
صفحه ۹

اعتصاب کارگران پروژه ای
نفت، صفحه ۱۱

اعتراضات گسترده معلمان و
تشدید فشار امنیتی بر آنها
اطلاعیه فری دم ناو، صفحه ۸



در حمایت از مردم اوکراین علیه تهاجم دولت روسیه

در حمایت از

مردم اوکراین

علیه تهاجم دولت روسیه

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran



مهاجم، بیرون راندن ارتش روسیه از کشورشان و پایان دادن به حاکمیت یک درصدیها و کلا شرایطی است که چنین جنگهایی را موجب میشود. مردم میخواهند نه تنها در برابر دولت مهاجم روسیه بلکه در مقابل تهاجم اقتصادی یک درصدیهای سرمایه‌دار که بوسیله امثال زلنسکی نمایندگی میشوند، مقدرات خود را خود در دست بگیرند. مردم روسیه نیز باید در کنار مردم اوکراین در همین جهت گام بردارند. از اینرو جنبش ضد جنگی که امروز در ابعاد گسترده‌ای شکل گرفته است نمیتواند فقط به شعار صلح بسنده کند. صلحی که به نفع مردم اوکراین و مردم بقیه کشورها باشد، تنها با پیشروی و پیروزی جنبش مقاومت مردم اوکراین امکانپذیر است. خروج فوری نیروهای اشغالگر از اوکراین و محاکمه پوتین و مقامات روسی به جرم جنایات جنگی دو رکن مهم جنبش ضد جنگ جاری است. همانطور که جنبش علیه تهاجم به عراق به درست خواست محاکمه جرج بوش و تونی بلر را مطرح میکرد. جنبش ضد جنگ جاری باید در عین حال علیه شرایطی باشد که به فجایعی نظیر تهاجم به اوکراین منجر میشود. خواست انحلال ناتو و خلع سلاح اتمی همه دولتها علیه چنین شرایطی است و باید بر پرچم جنبش جهانی علیه تهاجم روسیه حک شود.

مشخصا:

- حمایت قاطع و همه جانبه از مقاومت مردم اوکراین در برابر ارتش اشغالگر روسیه،
- آتش‌بس و قطع فوری جنگ،

دو هزار نفر از شهروندان غیرنظامی آن کشور منجر شده، میلیتاریزه شدن فضای سیاسی جهانی، داغ شدن رقابت تسلیحاتی و اتمی، و احیا و تقویت ناتو از دیگر نتایج ارتجاعی و ضد انسانی تهاجم روسیه است.

تنها جبهه جهانی توده مردم و نیروهای مترقی در حمایت از مبارزه مردم اوکراین علیه تهاجم نظامی روسیه میتواند این جنگ خانمانسوز را به نفع مردم پایان دهد و عوارض ضد انسانی و زیانبارش را خنثی کند. صرف مخالفت با جنگ و صلح طلبی موضعی پاسیویستی است و پاسخگویی این وضعیت نیست.

مردم اوکراین، مانند مردم دیگر کشورهای اروپای شرقی، به حق خواستار بازگشت به دوران گذشته نیستند. آنها نمیخواهند همان دوران سلطه آهنین کاپیتالیسم دولتی شوروی، این بار زیر دیکتاتوری مافیائی پوتین و الیگارش‌های روسیه، تکرار بشود. در عین حال مردم نمیخواهند این میل به آزادی و رهایی‌شان به ریاضت کشی اقتصادی و سلطه سرمایه‌داری جهانی بر زندگی‌شان و تبدیل شدن به لشکر هژمونی طلبی‌های آمریکا و متحدینش ترجمه بشود. محبوبیت پایین زلنسکی در دوره قبل از این تهاجم و محبوبیت بیسابقه امروز او بیانگر این دو گرایش توده مردم است. زلنسکی دوره صلح نماینده یک درصدیهای حاکم و فساد و فعال مایشانی آنها بود و زلنسکی امروز نماینده مقاومت مردم در برابر احیای گذشته سیاه‌شان. گرایش مردم اوکراین به آزادی و رهایی عامل و انگیزه مقاومت در برابر روسیه

شدند، دولت آلمان بطور بی سابقه‌ای به بودجه نظامی خود افزود، و حتی دولت سننا بیطرف سوئیس علیه پوتین موضع گرفت و به تحریم اقتصادی روسیه پیوست.

این پیشرویهای ناتو به معنی تضعیف موقعیت روسیه و بلوک متحد اوست ولی برخلاف قدرت‌گیری مردم و عروج تظاهراتهای خیابانی علیه پوتین و تهاجم نظامی‌اش، تماما در نقطه مقابل منافع و خواستهای مردم در اوکراین و روسیه و در تمام دنیا قرار دارد.

ناتو یک پیمان نظامی است که در دوره جنگ سرد علیه بلوک شوروی شکل گرفت. در آن دوره نیروهای کمپ روسیه نیز در پیمان ورشو صف آرایی کرده بودند. بعد از فروپاشی شوروی و انحلال پیمان ورشو، پیمان ناتو نیز تماما علت وجودی، یا بهتر است بگوئیم توجیه و بهانه وجودی خود را از دست داد. ناتو از بدو تاسیسش ابزار گسترش سلطه آمریکا و هم پیمانان اروپائی‌اش بر دنیا بوده است و بعد از جنگ سرد صریحا و آشکارا به ایفای این نقش ادامه داد. در اولین دهه‌های بعد از جنگ سرد ناتو بعنوان بازوی نظامی هژمونی طلبی دولت آمریکا در "نظم نوین جهانی" عمل کرد ولی با شکست پروژه هژمونی طلبی میلیتاریستی دولت آمریکا بویژه در خاورمیانه، و با بازگشت روسیه به صحنه سیاست منطقه و شکل گرفتن بلوک روسیه-چین، ناتو نیز به ابزاری در رقابت غرب با این بلوک تبدیل شد. به عضویت درآوردن کشورهای اروپای شرقی در ناتو یکی از اهرمهای گسترش نفوذ بلوک غرب به اروپای شرقی و اهرم اعمال فشار غرب بر بلوک روسیه است. اکنون تهاجم روسیه به اوکراین زمینه و میدان تازه‌ای برای مطرح و فعال شدن مجدد ناتو ایجاد کرده است.

از سوی دیگر تهدید اتمی پوتین بار دیگر بازار رقابتهای اتمی و روی آوری دولتها به تسلیحات اتمی را داغ کرده است. در کنار جنایت جنگی روسیه در اوکراین که تا کنون به کشتار بیش از

یک هفته بعد از آغاز حمله به اوکراین هنوز هیچیک از اهداف اعلام شده پوتین عملی نشده است. گر چه نیروی زمینی روسیه کی‌یف را محاصره کرده و موشک باران آن را شروع کرده است اما حتی تصرف کی‌یف به معنی شکست مقاومت مردم و پیروزی و سلطه ارتش روسیه نیست. این تازه سرآغاز مقاومت مسلحانه توده‌ای در سراسر اوکراین خواهد بود.

پوتین در رویای آن بود که به پیروزی زود فرجامی برسد و حتی دولتهای غربی نیز چنین تصویری داشتند. ولی آنچه این تصورات و محاسبات را برهم زد مقاومت قهرمانانه مردم اوکراین و همچنین اعتراضات ضد جنگ و حمایت از مردم اوکراین در سراسر جهان بود. حتی در خود روسیه تظاهراتهای ضد جنگ، که تا کنون بیش از ۷ هزار نفر دستگیری داده است، در حال گسترش است.

این تعرض و مقاومت مردم اوکراین و جهان، که وسیعا در مدیای اجتماعی و در رسانه‌های غربی منعکس شد، ورق را تماما به نفع مردم اوکراین و به ضرر دولت روسیه برگرداند. حتی اگر پوتین موفق شود کی‌یف را تصرف کند و دولت دست نشانده خود را بر سرکار بیاورد قادر به حفظ این وضعیت نخواهد بود. اوکراین برای پوتین تبدیل به باتلاقی خواهد شد که او دولتش را تماما فرو خواهد بلعید.

از نظر سیاسی تهاجم نظامی به اوکراین ادامه رقابتهای دو بلوک ارتجاعی، کشورهای عضو ناتو از یکسو و بلوک روسیه-چین از سوی دیگر است. از این نظر هم بازنده این جنگ بلوک روسیه خواهد بود. ناتو تا قبل از تهاجم به اوکراین خود دچار تشتت و بحران بود و چشم انداز روشنی نداشت. تهاجم روسیه به اوکراین روح تازه‌ای در کالبد نیمه جان ناتو دمید؛ آمریکا و اروپای غربی خود را بیش از پیش هماهنگ کردند، دولتهای عضو ناتو در سیاست تحریمهای اقتصادی و مالی علیه پوتین و الیگارش‌های روسیه، و ارسال اسلحه و اطلاعات و ضد اطلاعات برای دولت اوکراین فعال



تجمع اعتراضی کارگران قراردادی نیشکر هفت تپه و مطالبات

فوری کارگران این مجتمع ۵ هزار نفره

- برکنار کردن مدیران اسدیگی که همچنان مشغول خرابکاری و باندبازی هستند.

- همسان کردن سطح دستمزد بین تمام طرح های هفت طرح. به گفته کارگران در هفت تپه که قدیمی ترین و مهم ترین مرکز نیشکر است از باقی طرح ها است به کارگران کمتر مزد پرداخت میشود.

- مختومه کردن پرونده وکیل کارگران هفت تپه، فرزانه زیلابی و آزادی فوری سپیده قلیان حامی کارگران نیشکر هفت تپه - ۹ اسفند ۱۴۰۰

کارگران هفت تپه از بخش های مختلف برگرفته از مدیای اجتماعی

وقت کشی کرده است و بر اتحاد مبارزاتی برای پیگیری مطالبات پایخ نگرفته خود هستند. (از اطلاعیه حزب کمونیست کارگری)

خوستهای پاسخ نگرفته این کارگران عبارتند از:

- بازگشت به کار اسماعیل بخشی چهره محبوب کارگران و و بیزن سالارپور. دو کارگر اخراجی

- استخدام کارگران فصلی

- اجرای کامل طرح طبقه بندی و پرداخت کامل برداشتن سه نوع قانون مختلف در پرداخت و قرارداد

باند مافیایی او را بیرون کنند. توانستند شماری از همکاران اخراجی خود را بر سر کار بازگردانند و همه این موفقیت ها به اعتبار اتکای آنها بر تصمیم گیری جمعی و تصمیم گیری شورایی شان بود. کارگران اعلام کردند که مجمع عمومی ۵ هزار نفره آنها و مجمع نمایندگی منتخب این مجمع تشکل واقعی آنهاست و بر نظارت شورایی تاکید کرد. نکته اینجاست که هنوز بخشی از خواستهای کارگران نیشکر هفت تپه اجرایی نشده است. بعلاوه اینکه اینکه سطح نازل حقوقها یک مطالبه فوری آنهاست. این کارگران در پیامهای خود میگویند که مدیریت جدید به اندازه کافی

روز ۹ اسفند کارگران فصلی نیشکر هفت تپه در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و به پایان رسیدن موعد قراردادهاشان تجمع کردند و با شعار قرارداد کار، قرارداد کار خواستار تمديد قراردادهاشان است. کارگران فصلی نیشکر هفت تپه بارها در رابطه با این موضوع و دائمی شدن قراردادهاشان تجمع و اعتراض داشته اند.

یک خواست کارگران نیشکر هفت تپه در مبارزاتشان تاکید بر همین مطالبه بوده است. کارگران نیشکر هفت تپه در مبارزات جانانه ۵ ساله خود دستاوردهای بسیاری داشتند موفق شدن اسدیگی و



نگهبان پیمانی " معدن زغال سنگ سنگرود" در اعتراض به تعویق پرداخت سه ماه حقوق برای سومین روز تجمع کردند. در این روزهای پایانی سال و فرا رسیدن سال جدید اعتراضات بخش های مختلف کارگران برای نقد کردن طلبهایشان و دریافت عیدی و پاداش آخر سال گسترده است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ اسفند ۱۴۰۰، ۳ مارس ۲۰۲۲

مطالبات خود تاکید کردند. گفتنی است که جهت حفظ اشتغال کارگران بخش تولید که زیر مجموعه یکی از شرکتهای پیمانکاری هستند با هماهنگی جمعی همه کارگران سر کار حضور دارند. در کل شرکت کاغذ پارس با ۸۰۰ کارگر یک پارچه در اعتراض است.

تداوم اعتراض کارگران معدن زغال سنگ سنگرود

روز ۱۲ اسفند حدود ۲۵ نفر از کارگران

ادامه اعتصاب در کاغذ پارس هفت تپه و معدن سنگرود

هزینه های سرسام آور زندگی را ندارند. افزایش حقوقها، حذف شرکت های پیمانکاری مستقر در شرکت و برخورداری از قراردادهای دائمی و مستقیم با شرکت سه خواست فوری این کارگران است.

کارگران خواهان پاسخگویی فوری کارفرما هستند. اما او حتی در شرکت نیز حاضر نشده است و عواملش تلاش میکنند با تهدید و ارعاعات اعتصاب کارگران را پایان دهند. در تجمع روز ۱۲ اسفند کارگران با شعار نترسید، نترسید ما همه با هم هستیم مصممانه بر پیگیری

هشتمین روز اعتصاب کارگران کارخانه کاغذ پارس هفت تپه

روز ۱۲ اسفند کارگران کارخانه پارس در هفت تپه برای هشتمین روز متوالی در اعتراض به مشکلات معیشتی و کاری شان دست از کار کشیده و در محوطه شرکت تجمع کردند. به گفته کارگران شرکت کاغذ پارس مزد حداقلی آنها با توجه به افزایش سرسام آور هزینه های زندگی جوابگوی نیازهای اولیه آنها نیست و با شرایط کنونی که از حداقل حقوق دریافتی برخوردار هستند امکان تأمین

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ اسفند ۱۴۰۰، ۲ مارس ۲۰۲۲

به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

شماره تلفن:

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

تلگرام: @sazmande

مردم آزادیخواه ایران نیز با شعار "مرگ بر پوتین و حامیانش" بخش مهمی از این جنبش جهانی را تشکیل میدهند. این شعار وجه مشترک جنبش علیه تهاجم پوتین و جنبش سرنگونی طلبانه مردم ایران است و از این نقطه نظر میتوان نمونه و الگویی برای حرکت رادیکال مردم آزادیخواه علیه جنگ و علیه دولتهای ارتجاعی در سراسر جهان باشد.

از صفحه ۲

در حمایت از مردم اوکراین...

مهمترین خواستها و اهدافی است که میتواند به یک جنبش فعال و تعرضی در سطح جهان شکل بدهد و نه تنها جنگ جاری را به نفع مردم خاتمه ببخشد، بلکه مانعی بر سر راه تکرار چنین فاجعه هائی از سوی هر یک از دو بلوک غرب و یا شرق باشد.

- خروج نیروهای روسی از اوکراین از جمله از کریمه،
- محاکمه پوتین به جرم جنایت جنگی،
- مقابله با میلیتاریسم رو به اوج و سیاستها و بلوکبندیهای میلیتاریستی،
- خلع سلاح اتمی همه دولتها، و
- انحلال ناتو



مطالبه‌ی سراسری، تبدیل موضوع دستمزدهای یک مطالبه‌ی عمومی

موقوفات مزدی کارگران فولاد اهواز کنار گذاشته شود. همانطور که در مثال کارگران پروژه‌ای مطرح شد با این کار به استقلال عملی برای طرح مطالبات خاص هر بخش، آسیبی وارد نخواهد شد. پیگیری آن مطالبات تا تحقق کامل آنها، نه تنها منافاتی با همراهی سایر بخش‌ها برای تحقق مطالبه مشترک ندارد بلکه اتفاقاً تا حد زیادی گره خورده با پیشروی سایر کارگران یا به عبارتی تغییر توازن قوای طبقاتی به نفع کارگران است.

به این معنا که اساساً پیوند مبارزات جاری طبقه کارگر ایران نه از طریق دستورات و نسخه‌هایی از پیش آماده و نه از طریق کاهش رادیکالیسم آن و افتادن به ورطه رفرمیسم، میسر است. تاکید بر اتحاد عملی برای پیگیری و تدوین مطالبات مشترک، از مسیری جز مداخله‌ی انتقادی در جنبش‌های موجود و برجسته کردن ظرفیت‌های مترقی آنها میسر نخواهد بود. تاریخ مبارزات تاکنون به روشن‌ترین شکل ممکن اهمیت اتحاد و همبستگی طبقاتی را در پیش چشمان ما قرار داده است. موانع مختلف اجتماعی، سیاسی و امیال تسخیر شده‌ی کارگران که محصول انقیاد و استثمار سرمایه‌داری است نباید ما را از ترسیم طرح دقیقی از اتحاد طبقاتی منع کند.

راهکار برای طرح یک مطالبه مشترک
پیگیری موضوع دستمزد و تبدیل آن به یک مطالبه‌ی سراسری هم، جز با بهره‌گیری از مبارزات جاری که از طریق اداره شورایی به دستاوردهای درخشانی دست‌یافته غیر ممکن است. در این راستا اعلام نرخ‌ی واحد به عنوان حداقل دستمزد که مورد پذیرش تمامی بخش‌های طبقه کارگر باشد از طریق مراجعه به بدنه و وسیع کارگران میسر خواهد

کردند، به این ترتیب که در هر شرکت و در برابر هر پیمانکار، کارگران آن بخش متناسب با وضعیت شغلی خود و میزان رزمندگی و توان مبارزاتی، از طریق خرد جمعی و معمولاً در قالب تشکیل مجامع عمومی اقدام می‌کردند. اما مبنای مذاکرات همان رقم مورد توافقی بود که از پیش مشخص شده و هیچ بخشی کمتر از این مقدار، توافقی با کارفرما انجام نمی‌داد. به عبارتی در عین استقلال عمل برای تحقق مطالبات مشخص، مطالبه‌ی مشترک نیز همزمان پیگیری می‌شد. با این مثال می‌توانیم به اعتراضات اخیر هم نگاهی بیاندازیم. به طور مشخص هم‌زمانی اعتراضات معلمان، بازنشستگان و کارگران فولاد اهواز را در نظر بگیرید، آیا طرح دستمزد حداقلی در کنار مطالبات مشخص هر کدام از این کارگران ممکن است؟ به نظر پاسخ به این سوال نه تنها یک آری قاطع است بلکه یک ضرورت مبارزاتی بسیار مهم نیز است. در صورتی که این سه بخش به طور عملی یک مبلغ واحد را به عنوان حداقل دستمزد کل طبقه‌ی کارگر مطرح نمایند، با توجه به گستردگی اعتراضات، این مطالبه‌ی عمومی در سطح وسیعی از جامعه مطرح می‌شود و از سوی دیگر در مقاطع دیگری که سایر بخش‌های طبقه کارگر اقدام به اعتراض و اعتصاب می‌کنند عملاً خواسته‌های معلمان، بازنشستگان و کارگران فولاد اهواز را هم مجدداً در سطح جامعه مطرح کرده‌اند و حمایت وسیع‌تری را همراه خود خواهند داشت. این مسئله در رابطه با بخش‌های متفاوت معلمان هم از اهمیت بالایی برخوردار است، معلمان حق‌التدریس یا کارنامه‌سبزه‌ها تا حدودی از اعتراضات معلمان رسمی که تمرکز عمده‌ی خود را بر روی طرح رتبه‌بندی قرار داده‌اند فاصله گرفته‌اند. با طرح دستمزد حداقلی، می‌توان همراهی و همکاری عملی این معلمان را هم برای افزایش توان مبارزاتی به کار گرفت. و این بدین معنا نیست طرح رتبه‌بندی معلمان یا همسان‌سازی دستمزد بازنشستگان یا

و اینجا بحث صرفاً بر سر اتحاد عمل نیست، بلکه این اتحاد در سطحی از توافق سیاسی و اجتماعی بر پایه‌ی طبقاتی قابل طرح است. به عبارتی اشتراک مطالباتی حاصل از بحران‌های موجود در کشور، باید بیانی سیاسی پیدا کند. یعنی از سویی نقد ریشه‌ای این بحران‌ها و بسط این نقد به بنیان‌های سرمایه‌داری و از سوی دیگر تغییر زاویه‌ی دید سیاسی به سمت سرنگونی حاکمیت موجود، در مسیری انقلابی. این امر صرفاً از طریق بیانیه‌ی مشترک حاصل نخواهد شد. در سالهای اخیر شاهد بیانیه‌هایی مشترک بسیاری از جانب تشکلهای کارگری در رابطه با موضوع حداقل دستمزد بوده‌ایم. این شکل از فعالیت مشترک هرچند یکی از شروط لازم در جهت همراهی بخش‌های مختلف طبقه کارگر است ولی به هیچ وجه برای شرایط خطیری که در آن قرار گرفته‌ایم کافی نیست. به این خاطر که مطالبه‌ی اصلی یا یکی از اصلی‌ترین مطالبات تمامی این اعتراضات، موضوع دستمزد بوده، اما بیان سیاسی و عملی ملموسی نداشته است. این فقدان باید از طریق افزایش ارتباط در میان کارگران و ایجاد بستری برای گفتگوی مداوم در جهت توافقی طبقاتی و البته عملی مرتفع گردد.

با این وصف اتحادی عملی در رابطه با موضوع دستمزد باید همچون سایر مطالبات مشترک؛ محتوا و فرم منسجمی داشته باشد. اولاً طرح نرخ‌ی واحد در مطالبات کارگران در کنار مطالباتی که مختص به آن بخش مشخص است، ثانیاً تبدیل این نرخ واحد به حداقلی خدشه‌ناپذیر که شامل تمامی کارگران ایران می‌شود. و نهایتاً ایجاد ظرف مبارزاتی مشترک برای پیوستن کارگران به یک جبهه‌ی سراسری برای تحقق حداقل دستمزد مورد نظر. شاید بهترین نمونه در سال‌های اخیر، مربوط به کارگران پروژه‌ای نفت و پتروشیمی باشد، کارگران با طرح مبلغی به عنوان حداقل دستمزد، مبنای مذاکرات بخش‌های مختلف را تدوین

در یک دهه اخیر، همزمان با افزایش بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در ایران، مبارزات کارگران هم با پیشرفت تاریخی عظیمی همراه بوده است. کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، کارگران پروژه‌ای در صنعت نفت، کارگران شهرداری و... به طور مداوم اقداماتی از جمله اعتصاب و اعتراض خیابانی را برای پیگیری مطالبات خود سامان داده‌اند. علاوه بر ویژگی سراسری بودن برخی از این اعتراضات، تکیه بر مطالبات و خواسته‌های عمومی جامعه، نشان‌دهنده افزایش رادیکالیسم مبارزه طبقاتی در ایران است. بخش‌های مختلف طبقه کارگر از طریق اعلام هم‌سرنوشتی با سایر بخش‌های جامعه اولاً توانسته همراهی و تایید تمام جامعه را حاصل نماید ثانیاً تبدیل به اصلی‌ترین نیروی اجتماعی در پیشبرد خواسته‌های مردم و پیگیری آن تا به آخر، (یعنی نیرویی توانا به تغییر بنیادین در وضع موجود) شده است. شعارهایی در رابطه با آموزش رایگان، توقف خصوصی‌سازی، ناکارآمدی حکومت در جلوگیری از فساد و اختلاس، اعتراض به حقوق‌های نجومی و... کارگران را به اصلی‌ترین فریاد اجتماعی بر علیه حکومت تبدیل کرده و در عین حال بیانگر وجود درکی عمیق از مسیر پیش رو است، مسیری که اتحاد و همبستگی مبارزاتی بر علیه کل وضع موجود و تمام اشکال ستم را تنها راه پیروزی می‌داند. به این اعتبار طرح موضوع افزایش دستمزد به عنوان مطالبه‌ی عمومی و سراسری دارای زمینه‌ی عینی در سطح جامعه است، و اعتبار نظری و عملی خود را از مبارزات جاری کارگران می‌گیرد. در این راستا و با توجه به توضیحات پیشین، اقدامی مشترک و سراسری برای پیگیری موضوع افزایش نرخ دستمزد، ضرورتی کتمان‌ناپذیر است. طبقه کارگر ایران برای تحقق این امر باید از طریق اتحادی عملی، نرخ واحدی را به عنوان حداقل دستمزد مورد پذیرش تمامی کارگران، در سطح عمومی مطرح کند.

دستمزد زیر خط فقر ممنوع!

از صفحه ۴

مطالبه‌ی سراسری...

از پیش معین کرده است، می‌کند. همان میدانی که طبقه کارگر به مثابه نیروی اجتماعی قادر خواهد بود هر خواسته‌ای را تا مقصد نهایی مورد نظر خود پیش ببرد. در این عرصه به کارفرما مجالی برای اتلاف وقت و عقب‌اندان کارگران، داده نخواهد شد و در این شرایط حاکمیت مجبور خواهد بود برای جلوگیری از تداوم اعتراض، به کارگران مراجعه نماید و در کوتاه‌ترین زمان ممکن خواسته‌های آنان را محقق نماید. البته عنصر سرکوب و تهدید را هم به کار خواهد گرفت، اما این روش هم گره‌ای از مشکلات آنان باز نخواهد کرد و نهایتاً این کارگران متشکل و متحد هستند که در این نبرد پیروز خواهند شد. در رابطه با موضوع حداقل دستمزد هم هیچ نیازی به حضور در شورای عالی کار یا مراجعه به کمیسیون‌های بی‌خاصیت مجلس نیست. کارگران در کف خیابان و در اعتصابات و نیز با اتکاء به اعمال اراده جمعی و متحد و سازمانیابی شورایی، تکلیف حداقل دستمزد را روشن می‌کنند و دولت و کارفرما هم مجبور هستند نه با تعدادی نماینده، بلکه با جنبش کارگری که در این موضوع خاص می‌توان آن را کارزار تعیین حداقل دستمزد نامید، روبرو شوند. این چنین است که انبوهی کارگر را خواهیم یافت که در برابر کل طبقه حاکم صف‌آرایی کرده‌اند. و این کارگران هستند که با اتکاء به اراده جمعی خود در قالب شورا و از طریق برگزاری مجامع عمومی تصمیمات خود را به حاکمیت دیکته می‌کنند و کسی دیگر تحقق مطالبات طرح شده را در عنایت یک وزیر یا مصوبات مجلس و دولت نمی‌دانند، بلکه تنها تضمین برای تحقق آن را در تقویت همبستگی و اتحاد عمل مبارزاتی خواهند یافت. نهایتاً توجه شما را به اعتراضات اخیر کارگران فولاد اهواز و شهرداری اهواز جلب می‌نمایم. در این اعتراضات کارگران با درک ضرورت اتحاد، در کنار هم و در برابر کارفرما و دولت ایستادند

کجاست؟ آیا چانه‌زنی‌های فرسایشی با نمایندگان دولت، چاره‌ی کارگران است؟ آیا باید از حکومت انتظار داشته باشیم برای کارگران بستری فراهم نماید تا از مجرای مورد نظر حکومت مطالبات و خواسته‌های آنان مطرح شود؟ طبیعتاً پاسخ به این پرسش‌ها منفی است. چه از منظر ماهیت دولت سرمایه‌داری و چه با مراجعه به تجربه‌ی تاریخی مبارزات کارگری منفی است. پس چرا هنوز برخی اشکال مطالبه‌گری از جمله طومار نویسی برای نمایندگان مجلس، حضور در جلسات تدارک دیده‌شده توسط دولت یا نامه‌نگاری با ارگان‌های دولتی در دستور کار برخی از بخش‌های طبقه کارگر است؟ بررسی این معضل نیازمند تحلیل جریانات و گرایش‌های مختلف در بین طبقه کارگر و نیز تحلیل مشخص از مواضع و عملکردهای آن گروهی است که هنوز به روش‌های ذکر شده امید بسته‌اند. اما از مسیری دیگر می‌توان با بررسی ویژگی‌های اقدام مستقیم یا همان اعتصاب و اعتراض خیابانی بر نابسند بودن اشکال غیرمستقیم مطالبه‌گری تاکید کرد. در واقع به موجزترین بیان، ملاک اساسی برای ارزیابی این موضوع طرح یک پرسش است؛ این شکل از اعتراض، رو به جامعه مطرح شده یا رو به قدرت حاکمه؟ به این اعتبار هر اعتراضی که به صورتی پیشینی تحقق خواسته‌های خود را در گرو افناع طبقه حاکمه یا نمایندگان آنها در محل کار در نظر می‌گیرد، در بهترین کشورهای سرمایه‌داری اقدامی اصلاح‌طلبانه و در کشورهایی مثل ایران یک متوهمانه است. این به معنای عدم مطالبه‌گری از حاکمیت نیست بلکه به معنای نوعی اعمال قهر اجتماعی بر علیه دستگاهی است که ابزار سرکوب و قهر دولتی را در انحصار دارد. اعمال قهری که با مخاطب قرار دادن جامعه از طریق اعتصاب و حضور در خیابان، حاکمیت را مجبور به مذاکره در میدان مبارزاتی که قواعد آن را طبقه کارگر

حتی همین حداقل دستمزد تصویبی دولت را هم دریافت نمی‌کند. به طور مشخص کارگران خدماتی و کارگران شاغل در کارگاه‌های کوچک و شرکت‌های خصوصی اساساً خارج از شمول قانون کار هستند و در این میان زنان شاغل در وضعیت بسیار نامناسبی به سر می‌برند. به این اعتبار تحقق هر مطالبه‌ای در سطح سراسری بدون شک در پیوند و همراهی این بخش از طبقه کارگر میسر نخواهد شد. اما طبعاً این امر صرفاً با اعلام یک فراخوان با چارچوب مطرح شده حاصل نمی‌شود، بلکه باید ساز و کار عملی برای ارتباطی گسترده فراهم آید که این ارتباط نیز از طریق سازمان‌های کارگری قابل حصول است. از این زاویه جنبش شورایی تجربیات بسیار مفیدی را در اختیار قرار داده است. بخش‌های پیشرو طبقه، با توجه به سابقه مبارزاتی و داشتن سازمان طبقاتی می‌توانند از سویی الگویی در دسترس برای سایر کارگران باشند و از سوی دیگر عهده‌دار برداشتن قدم‌های ابتدایی در این مسیر باشند. به نحوی که بعد از مشخص شدن میزان حداقل دستمزد که با مشارکت حداکثری کارگران از کارگران در جریان اعتراضات، اعتصابات و بیانیه‌ها به عنوان یکی از مطالبات اصلی مطرح شود و همزمان در شکلی دموکراتیک زمینه ایجاد سازمان طبقاتی برای سایر بخش‌ها نیز فراهم آید. نهایتاً یادآور می‌شوم که اولاً پیشروی هر بخش از طبقه کارگر به معنای دستاوردی برای کل کارگران است و ثانیاً در مطالب ذکر شده هیچ تقدم و تأخری لحاظ نشده است. به این معنی هیچ کدام از مبارزات جاری، برای تحقق این موضوع نباید متوقف گردد. مسائل طرح شده پیشنهاداتی در ادامه مبارزات جاری است و در صورتی که مانعی بر سر راه کارگران باشد، تماماً بی‌اعتبار است.

خیابان و اعتصاب

میدان اصلی پیشبرد مطالبه‌ای سراسری، همچون تعیین حداقل دستمزد

شد. می‌توان از طریق یک فراخوان عمومی که توسط بخش‌های پیشرو طبقه مثلاً کارگران هفت‌تپه، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت پروژه‌ای، شورای هماهنگی معلمان، بازنشستگان و... مطرح می‌شود از تمامی کارگران درخواست کرد که برای تعیین حداقل دستمزد سال جدید مشارکت داشته باشند. لازم به ذکر است این فراخوان باید دارای جنبه‌ای ایجابی، انضمامی و فراگیر باشد، به نحوی که اولاً قادر به مورد خطاب قرار دادن تمامی بخش‌های جامعه از جمله کارگران ساختمانی، کارگران خدماتی، (کارگران شاغل در رستوران‌ها، کافه‌ها، شهرداری‌ها، بخش درمان و بهداشت)، کارگران اداری، رانندگان حمل و نقل شهری (چه شاغل در بخش دولتی مثل شرکت واحد یا شاغل در بخش خصوصی مثل موتور سواران اسنپ)، پرستاران و... باشد. البته می‌تواند شاغلین کارخانجات صنعتی بزرگ مانند ذوب‌آهن، ایرانخودرو، شرکت نفت و حتی کارمندان دولت را هم به مشارکت در این فراخوان دعوت کند. ثانیاً با معتبر شمردن مطالبات خاص هر کدام از این بخش‌ها به اهمیت همکاری در رابطه با مطالبه‌ی مشترک حداقل دستمزد تاکید نماید. و این فراخوانی در جهت فعال کردن همه‌ی ظرفیت‌های اجتماعی است. در عین حال با توجه به نقش پر رنگ زنان در مبارزات امروز جامعه ایران باید توجه ویژه به زنان کارگر و حتی زنان خانه‌دار، در این فراخوان قابل رویت باشد. به عبارتی این صرفاً فراخوانی برای شاغلین نیست بلکه همزمان دعوتی از بیکاران، محذوفان و طردشدگان هم هست. نیروهای اجتماعی که به واسطه سرمایه‌داری و حکومت ایران از کم‌ترین و حداقلی‌ترین حقوق اجتماعی محروم شده‌اند و حکومت از آنها به عنوان لشکر ذخیره‌ی کار برای سرکوب دستمزد و سازمان‌یابی کارگران استفاده می‌کند. به این ترتیب این فراخوان می‌تواند بیشترین سطح فراگیری را داشته باشد. گفتنی است که بخش قابل توجهی از طبقه کارگر،



8 مارس؛ انقلاب زنانه و قدرت زورورکننده آن

یاشار سهندی

"انقلاب زنانه" صفتی است که منصور حکمت برای "انقلاب آبی ایران" برشمرد. صفت "زنانه" هر جا که بکار برده شده در اکثر مواقع جز برای تحقیر بکار نرفته است. اما حالا یک پدیده اجتماعی آن هم به اهمیت انقلاب از چنین صفتی برخوردار شده تا بر اهمیت و سهم بزرگ مبارزه زنان بر علیه رژیم اسلامی سرمایه تاکید شده باشد. نقشی که پیشتر هم زنان در مبارزات مهم تاریخی داشته اند و جالب ترین و گویاترین نمونه آن که مصادف با 8 مارس هم بوده به وقوع انقلاب فوریه و نهایتاً انقلاب اکتبر در صد سال پیش منجر شد.

در سال ۱۹۱۱ در کنگره زنان سوسیالیست پیشنهاد "روز زن" که از سوی کلارا زتکین ارائه شده بود تصویب شد اما روز خاصی را در نظر نداشتند تا سال ۱۹۱۷، "در این روز، زنان در سنت پترزبورگ برای «نان و صلح» در اعتصابات شرکت کردند و خواستار پایان دادن به جنگ جهانی اول، کمبود مواد غذایی روسیه و حکومت استبدادی مطلقه شدند. این روز تا سال ۱۹۱۷ و تا اعتصاب زنان روسیه در زمان جنگ برای "نان و صلح"، شکل رسمی به خود نگرفت. چهار روز پس از اعتصاب زنان، تزار ناچار به کناره گیری شد و دولت موقت حق رأی زنان را تضمین کرد. تاریخ شروع اعتصاب زنان در تقویم میلادی قدیم که آن زمان در روسیه رایج بود، یکشنبه ۲۳ فوریه بود. این روز در تقویم میلادی جدید برابر با ۸ مارس... بود. به نوشته تروتسکی: "۲۳ فوریه (۸ مارس) روز بین‌المللی زن بود و جلسات و اقدامات پیش‌بینی شده بود ولی ما تصور نمی‌کردیم که این روز زن، انقلاب به پا می‌کند. اقدامات انقلابی پیش‌بینی می‌شدند اما زمان آن‌ها مشخص نبود. برخلاف دستورها، کارگران نساجی در چندین کارخانه کارشان را رها کرده و نمایندگانشان را برای حمایت از تظاهرات فرستادند... که منجر به اعتصاب توده‌ها

شد... همه به خیابان‌ها ریختند." در یک قرن پیش اگر به طور تصادفی مبارزه زنان نقش مهمی در وقوع یکی از مهمترین انقلابات تاریخ بشری داشت اکنون اما آگاهانه در شکل‌گیری و وقوع انقلابی به همان اهمیت، شاید هم مهمتر مبارزه زنان این نقش را بازی می‌کند.

بورژوازی در جواب به مردمی که در کف خیابان در سال ۵۷ به دنبال حق خود بودند جنبش اسلامی را سر آن انقلاب آوار کرد و این جنبش اولین جایی که فکر می‌کرد مناسب برای حمله به جامعه است، زنان هستند. بعد هم با فرمان حجاب اسلامی به زنان یورش آوردند. ولی این یورش با مارش قدرتمند روز سال در سال ۵۷ پاسخ گرفت. تظاهرات باشکوه 8 مارس ۵۷ در واقع شیپور مبارزه علیه جنبش اسلامی توسط زنان بود و چهار دهه مبارزه سهمگین، تاریخ جنبش زنان را تشکیل می‌دهد که در مسیر خود و در پیوند با جنبش‌های اعتراضی قدرتمند در سطح جامعه می‌رود منجر به انقلابی زیورورکننده شود.

چهار دهه مبارزه با حکومتی که اساساً زن را انسان محسوب نمی‌کند و هر گونه توهین و تحقیر در حق زن را به قانون سیاه خودش تبدیل کرده است. از جمله این حکومت سنگسار کردن را از مخوف‌ترین بخش‌های تاریخ بیرون کشید. تجاوز جنسی به زن را به یک دستاورد پلید خود تبدیل کرد و قتل زنان به جرم زن بودن مجاز برای "مردان با غیرت" خواند و در مقابل همه اینها جنبشی قدرتمند قد علم کرد.

در همین یکسال گذشته مثالهای بسیاری از مبارزات زنان در صف مقدم حمله به بنیان‌های ایدئولوژیک حکومت اسلامی را میتوان برشمرد. نمون‌های برجسته آن عبارتند از: اعتراض علیه حجاب و خرافه و مذهب و کنار گذاشتن حجابها، مقابله با توحش افسار گسیخته حکومت اسلامی توسط گشت ارشاد و آمران به معروف و ناهیان از منکر، حجاب برگیران دسته جمعی مقابل دانشگاه تهران

و در شهرهای مختلف، زیر پا انداختن عمامه آخوند در قم، حضور و نقش برجسته زنان در اعتراضات شکوهمند معلمان، جلو آمدن مادران دادخواه با گفتمان رای ما سرنگونیست در صف مقدم جنبش دادخواهی، جنبش می‌تو در اعتراض به تجاوز جنسی، اعتراض به کودک همسری، اعتراض به قتل‌های ناموسی، اعتراض به ممنوعیت ورود زنان به اماکن عمومی جامعه از جمله استادیوم، سازماندهی اعتراض در زندانها، اینگونه است که زنان نشان داده اند که عزم خود را برای سرنگونی جمهوری اسلامی و به زیر کشیدن حاکمیت اسلام جزم کرده اند و هیچ نیرویی قادر به مقابله با به وقوع پیوستن انقلاب آبی ایران، که قطعاً یک انقلاب زنانه است نیست.

بورژوازی خیلی منت سر زن بگذارد آنها را پشت سر مردان بزرگ قرار می‌دهد. "پشت هر مرد بزرگ یک زن بزرگ است!"

مطالبه‌ی سراسری...

هاند، اتحادی که یادآور اعتراضات تاریخی سال 97 کارگران هفت‌تپه و فولاد اهواز است. در این اعتراض شاهد بودیم که کارگران به سرعت مطالبه‌ی مشخص خود را با خواسته‌های عمومی کل جامعه یعنی اعتراض به فساد و ناتوانی حاکمیت سیاسی از اداره کشور گره زدند و مجدداً طبقه کارگر را در مقام پیشگام مبارزات تمام جامعه معرفی کردند. این اعتراضات نمونه دیگری از میزان توان مبارزاتی طبقه کارگر و تاکید هرچه بیشتر بر قدرت اراده جمعی برای تحقق مطالبات بوده که با اعتصاب و حضور خیابانی همراه شده است. برای کارگران بسیار واضح است که دولت به عنوان دشمن طبقاتی آنان بدون اعمال قهر هیچ یک از خواسته‌های آنان را برآورده نخواهد کرد.

خلاصه اینکه من در این نوشته سعی کردم نشان دهم که برای پرداختن به موضوع دستمزد به عنوان یکی از خط

این حاتم بخشی‌ها ارزانی خودشان باد. روزی مانند 8 مارس حکایت دیگری است؛ که در آن بزرگی زن به بزرگی مرد بستگی ندارد. بلکه تأکیدی است که جنبش زنان یک نیروی اجتماعی مهم است که می‌تواند تاریخ را به گونه‌ای دیگر بنویسند. آنگونه که در سال 1917 شاهدش بودیم و آن گونه که در آینده نزدیک در ایران شاهدش خواهیم بود. بی شک انقلاب زنانه پایانی خواهد بود بر کودک همسری، زن‌کشی، نابودی فرهنگ ناموس و ناموس پرستی، از بین رفتن بردگی جنسی و کالا انگاری زن و هر گونه تبعیض و نابرابری. زنده باد هشت مارس روز جهانی زن.

از صفحه 5

قرمزهای نظام سیاسی باید به شکلی سراسری و عمومی اقدام کرد. و باید در مبارزه برای خواست افزایش دستمزد از چهارچوبهای متعارفی که تا به امروز به موضوع دستمزد می‌پرداختند فراتر رفت و نقش‌راهی را مبتنی بر اتحاد حداکثری و اداره شورایی و در میدان اعتراضات خیابانی و اعتصابات دنبال کرد. در این مسیر نیازمند ایجاد و تقویت بستر مبارزاتی مناسبی هستیم که تمام بخش‌های جامعه را در برگیرد. به باور من شورا به عنوان عالی‌ترین تجلی سازمان طبقاتی قادر خواهد بود به این نیاز پاسخ مناسبی دهد. ضمن اینکه ما به مبارزه‌ای همه جانبه در جبهه‌های مختلف نیازمندیم که نهایتاً مسیر تحولی انقلابی را هموار نماید و هر تلاشی در این جهت درون کلیت مبارزه طبقاتی معنایی خاص و دستاوردی تاریخی به‌شمار می‌آید.

۱۵ اسفند: تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد در خدین شهر



فولاد و معدن در ادامه اعتراضاتشان در شهرهای اهواز، اصفهان، البرز غربی، و تهران مقابل صندوق های بازنشستگی در این شهرها تجمع داشتند.

تعیین مزد بر مبنای هزینه های واقعی زندگی و متناسب با هزینه واقعی سبد معیشت خانوار و افزایش آن طبق تورم واقعی، بیمه درمانی کارآمد و رایگان، پرداخت دیون دولت به صندوق بازنشستگی و برگرداندن پولهای به سرقت رفته به این صندوق، پرداخت عیدی برابر دو ماه حقوق و آزادی اسماعیل گرامی و دیگر زندانیان از جمله خواستهای اعلام شده بازنشستگان در قطعنامه هایشان است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ بهمن ۱۴۰۰، ۶ مارس ۲۰۲۲

روز پانزدهم اسفند بازنشستگان تامین اجتماعی در ادامه روزهای اعتراض یکشنبه های خود جهت پیگیری مطالباتشان در شهرهای مختلفی چون شوشتر، اراک، کرمانشاه، قزوین، کرمانشاه، تبریز، شیراز، کرمان و اصفهان در مقابل ادارات تامین اجتماعی تجمع کردند. در این تجمعات بازنشستگان شعار میدادند: "تورم میخورد حقوق بازنشسته"، "دستهای ما خالیه، وضع شما عالیه"، "وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه"، "حقوق ما ریالیه، هزینه ها دلاریه"، "تا حقمون نگیریم، از پا نمی نشینیم"، "خواستنه ما یک کلام، فقط صدور احکام"، و "بس است فریب مردم"، "تامین اجتماعی، چه نام اشتباهی".

در این روز همچنین بازنشستگان

تجمع کارگران شهرداری تبریز و پروشیمی آبادان و محکومیت هیراد پیردقی به ۴ سال حبس

محکوم شد. در صورت تایید این حکم در مرحله تجدیدنظر ۴ سال زندان برای او قابل اجرا خواهد بود. هیراد پیردقی در ۱۵ آبان ماه بازداشت شده بود و بعد با قرار وثیقه از بند عمومی زندان اوین آزاد شد.

جرم او دفاع از کارگران نیشکر هفت تپه است. پرونده هیراد پیردقی و تمامی فعالین سیاسی باید فوراً بسته و مختومه اعلام شود و تمامی زندانیان سیاسی بدون قید و شرط آزاد شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ اسفند ۱۴۰۰، ۵ مارس ۲۰۲۲

اعتراضات کارگران پیمانی نفت ضمن گزارش این خبر و مطالبه افزایش حقوقها در رده های مختلف تخصصی بر اینکه مزد هیچ کارگری نباید از ۱۶ میلیون کمتر باشد تاکید کرده است.

هیراد پیردقی به ۴ سال و ۸ ماه حبس محکوم شد

هیراد پیردقی، فعال کارگری توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ۴ سال و ۸ ماه حبس و دو سال محرومیت از عضویت در گروهها و دستجات سیاسی و اجتماعی و نیز ممنوعیت خروج از کشور

کارگران در اعتراض به وضع نابسامان معیشتی و کاری خود طی ماههای اخیر بارها دست به اعتصاب زده اند. افزایش حقوق و مزایا، پرداخت حق جذب و حق کارگاهی از جمله مطالبات آنهاست. به گفته کارگران حقوق دریافتی آنان به صورت سالانه و تنها متناسب با پایه حقوق کارگری افزایش پیدا کرده است. اما مزایای دریافتی آنها افزایشی نداشته است و آنها به این موضوع و عدم افزایش دستمزدها متناسب با رشد قیمت ها اعتراض دارند. شورای سازماندهی

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری

تبریز

روز ۱۵ اسفند کارگران شهرداری تبریز در اعتراض به کاهش عیدی خود، در داخل عمارت ساعت (ساختمان شورای شهر تبریز) تجمع کرده اند.

تجمع اعتراضی کارگران پروشیمی آبادان

روز شنبه ۱۴ اسفند جمعی از کارگران شرکت پروشیمی آبادان در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات خود مجدداً در محوطه شرکت دست به تجمع زدند. این

بینند که تقریباً غیر ممکن است. ما بازنشستگان هرگز نمی پذیریم که معیشت و رفاهمان در زیر صفر باقی بماند.

سفر و تفریح و رستوران و سینما و رقص و شادی حق ماست.

شما از ما دزدیده اید، پس میگیریم!
#فقط_کف_خیابون_بدست_میادحق
مون. (شورای بازنشستگان ایران)
از مدیای اجتماعی

ظالمانه محکومند که از همه مواهب برگزاری یک جشن اجتماعی محروم باشند! در جاییکه اقلیتی از جامعه با رزرو هتلهای لاکچری در داخل و خارج و با بهترین امکانات تفریحی برای عید نوروز برنامه ریزی میکنند، بازنشستگان و معلمان و کارگران به پارکها و کلاسهای مدارس و خانه معلمها حواله داده میشوند ، آنهم در صورتیکه بتوانند هزینه تردد و حداقلهای یک سفر چند روزه را تدارک

حتمان راپس میگیریم!

حقوق در خصوص عیدی داشتند ولی از دو روز پیش عیدی بازنشستگان تامین اجتماعی طبق همان اعلام قبلی (یک میلیون و ششصد) واریز گردیده.

با این حساب کارمندان و دیگر بازنشستگان هم با ادامه همان سیاستهای

حکومت همچنان به اعتراضات معلمان و بازنشستگان و دهن کجی میکند!!!

چندین ماه است که بازنشستگان و کارمندان در خصوص عیدی حقیرانه اعتراض کرده اند و تقاضای حداقل دومه



اعتراضات گسترده معلمان و تشدید فشار امنیتی بر آنها

دادگاهی شدن اصغر امیرزادگان معلم معترض در شیراز بدنبال اعتراضات گسترده معلمان تهدید و فشار امنیتی بر روی آنها شدت یافته است. مواردی از این تهدیدات عبارت از اینهاست:

- روز ۱۴ اسفند اصغر امیرزادگان از معلمان معترض در شهر شیراز بنا بر احضاریه ای که دریافت کرده بود، در شعبه ۱۴ بازپرسی دادگاه انقلاب این شهر حاضر شد. در این دادگاه "اتهام تبلیغ علیه نظام" به او تهمین شد. شاکی پرونده وی پلیس امنیت حکومت است. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگی در گزارش این خیر مینویسد: "این در حالی است که پیشتر آقای امیرزادگان از نیروهای لباس شخصی به خاطر اقدام به ربودن خود شکایت کرده بود اما حالا جای شاکی و قربانی عوض شده و کسانی که باید محاکمه شوند پیش دستی نموده علیه آقای امیرزادگان پرونده سازی کرده اند." بنا بر خبر در اقدامی جالب جمعی از معلمان تا جلسه محاکمه اصغر امیرزادگان را همراهی کردند. نهایتاً در این روز امیرزادگان با قرار کفالت ۳۰۰ میلیونی بطور موقت آزاد شد.

برگزاری دادگاه رادا مردانی

طبق احضاریه که به رادا مردانی رسیده است او در روز ۱۴ اسفند در دادگاه نورآباد لرستان حاضر شد. اتهام انتسابی به وی تبلیغ علیه نظام است.

صدور یک سال حکم زندان برای رسول کارگر از معلمان شیراز

بنا بر گزارشات منتشر شده رسول

کارگر، عضو هیئت مدیره انجمن صنفی معلمان فارس از طرف دادگاه انقلاب شیراز به یک سال حبس تعزیری و دو سال اقامت اجباری در شهرستان ارسنجان با معرفی روزانه خود به سازمان اطلاعات سپاه آن شهرستان محکوم شده است. گفتمانی است که با استناد به وضعیت جسمی رسول کارگر و ابتلای وی به بیماری قلبی ده ماه از مجازات حبس او به مدت دو سال تعلیقی است. رسول کارگر به اتهام "تبلیغ علیه نظام" حکم زندان و تبعید گرفته است. مصادیق این اتهام، ارسال پیامک و نشر اکاذیب به قصد "تشویش اذهان عمومی" می باشد. انجمن صنفی معلمان فارس این حکم ناعادلانه را به شدت محکوم کرده و خواستار لغو آن شده است.

قرار محاکمه سه معلم در خوزستان در هفدهم اسفند ماه

فرنکیس نسیم پور، علی کروشات، پیروز نامی سه معلم معترض در خوزستان به خاطر دفاع از حقوق معلمان و دانش آموزان در روز ۱۷ اسفند محاکمه می شوند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگی ایران ضمن حمایت از این معلمان خواهان مختومه شدن پرونده آنان شده است.

بعلاوه عزیز قاسم زاده سخنگوی کانون صنفی فرهنگیان گیلان برای روز بیست و یکم اسفندماه به دادگاه احضار شده است و برای جعفر ابراهیمی سخنگوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان چهار سال و نیم حکم زندان داده شده است که قرار است در دادگاه تجدید نظر مورد بررسی مجدد قرار

گیرد. علاوه بر اینها از قبل شماری از معلمان دیگر در زندان هستند که اسامی آنها عبارتند از: اسماعیل عبدی، محمد تقی فلاحی، محمدرضا رمضان زاده، یعقوب یزدانی، ناهید فتحعلیان، زینب همزنگ، معصومه عسکری، هاشم خاکسار، محمدحسین سپهری، محمد درکیان، حسین رمضانپور و عالیله اقدام دوست.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در بیانیه های متعددی این دستگیری ها و پرونده سازی ها را محکوم کرده و بر ادامه اعتراضات بر حق معلمان تاکید نموده است. از جمله در بیانیه این شورا در محکومیت بازداشت رادا مردانی در سوم اسفند ماه چنین آمده بود:

"در شرایطی که در تمام شهرهای ایران، معلمان یک صدا فریاد می زنند: معلم زندانی آزاد باید گردد، دستگیری معلمان نشانه ی دهن کچی حاکمیت به

مطالبه جدی و اصلی معلمان کشور است که مسلماً حسن عاقبت برای گردانندگان این تفکر مخرب نخواهد داشت." مختومه شدن پرونده های امنیتی و توقف پرونده سازی ها و نیز آزادی بدون قیدو شرط تمامی معلمان زندانی خواست فوری معلمان است که در قطعنامه های خود و در سخنرانی های تجمعات و در شعارهایشان بر آن تاکید کرده اند. کمپین برای آزادی کارگران زندانی از خواستها و مبارزات معلمان حمایت و پشتیبانی میکند و همه تشکلهای و اتحادیه های کارگری و معلمان و خانواده ها را به اعتراض به این احکام فرا میخواند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
Shahla.daneshfar2@gmail.com
https://free-them-now.com/
۱۴ اسفند ۱۴۰۰، ۵ مارس ۲۰۲۲

خواسته امروز معلمان: زنده آموزش دینی در مدارس

مرحله جدید یورش ایدئولوژیک به مدارس در ابتدا سال ۱۴۰۰ اعلام کرد که بیست و پنج هزار طلبه را به عنوان معلم از جمله در هشت رشته غیر مرتبط به تحصیلات طلاب استخدام میکند و تا کنون ۴۵۰۰ طلبه استخدام شده اند. این مسئله از ابتدا اعلام تا کنون از سرفصل های سلسله اعتراضات معلمان بوده است. به گونه ای که جعفر ابراهیمی فعال معلم در واکنش به مساله استخدام طلبه ها در مدارس چنین می نویسد:

«اگر می گوییم با خصوصی سازی آموزش مخالفیم باید نسبت خود را با آموزش دولتی و ایدئولوژیک نیز مشخص کنیم. ورود ۴۵۰۰ آخوند به مدرسه به معنای پیشروی ایدئولوژیک حکومت در امر آموزش است.» (از مبدیای اجتماعی)

شکست سیاست های چهل و سه ساله حکومت اسلامی در بنیان گذاردن آموزش پرورش ایدئولوژیک از تصفیه های گسترده معلمان در آغاز تا برقراری مراحل سختگیرانه گزینش برای استخدام معلمان و گماردن معلمان معتمد نظام برای دروس ایدئولوژیک چون معارف اسلامی، قرآن و پرورش در طول این سالیان از یک سو با سلسله اعتراضات صنفی و ضد سیاست های آموزشی حکومت اسلامی معلمان در سه سال اخیر مواجه شده و از سوی دیگر پروردگان چهار دهه آموزش و پرورش ایدئولوژیک امروز نسلی هستند عمدتاً مخالف ارزش های اسلامی دیکته شده از سوی نظام آموزش مکتبی و خواهان تغییر نظام سیاسی تئوکرات. از این رو وزارت آموزش و پرورش در



توسط سپاه پاسداران برای استخراج آسان‌تر و ارزان‌تر نفت نیز از دلایل اصلی گردوغبار خوزستان است. مدیر روابط عمومی اداره کل حفاظت محیط زیست خوزستان اعلام کرده است که میزان غلظت گرد و خاک در هوای خرمشهر به بیش از ۵۴ برابر حد مجاز رسیده است. منابع دیگر هم میزان گردوغبار در اهواز آبادان و شادگان را بیش از ۵۰ برابر حد مجاز اعلام کرده‌اند. خیزش مرداد ماه مردمی در اعتراض به تخریب محیط زیست و علیه بی‌آبی و وضع بد فاضلاب های شهری و شرایط زیستی در این استان بود. این موضوع همچنان یک محور اعتراضات مردم در این استان است.

بلاتکلیفی يك زندانی در اهواز

عباس تیمی از اهالی کوی علوی شهر اهواز بهمن ماه سال ۱۳۹۹ توسط اداره اطلاعات اهواز بازداشت و از آن تاریخ تاکنون در بلاتکلیفی در زندان سپیدار اهواز بسر می‌برد. بستگان تیمی می‌گویند؛ نیروهای امنیتی ساعت شش صبح چهارم بهمن ۹۹ به منزل تیمی یورش برده و بعد از بازرسی و مصادره وسایل شخصی اش، بدون ارائه حکمی از دادگاه او را بازداشت و بعد از مدتی وی را به زندان سپیدار منتقل کردند. منابع نزدیک به خانواده تیمی گفته‌اند: عباس تیمی یک فوتبالیست معروف کوی علوی است و از روز بازداشت تا این لحظه مسئولان امنیتی و قضائی پاسخی در مورد علت بازداشت و اطلاعاتی در مورد پرونده دستگیری عباس تیمی به خانواده اش ارائه نکرده‌اند.

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری، واحد خوزستان

۲۰۲۲ مارس ۵، ۱۴۰۰ اسفند ۱۴

عددی ضرب میشود که خود پیشاپیش بی ارزش است. دستمزد که بخشی ناچیز از ثروت تولید شده توسط نیروی کار است حداقل باید برابر با هزینه های واقعی مطابق با استانداردهای زندگی امروز باشد. باید مطابق با هزینه های سبدمعیشتی باشد که نیازهای اساسی زندگی را شامل شود. ارقام و درصدها در حالیکه دستمزد واقعی از قبل جاری نباشد، فریب است. شورای بازنشستگان ایران

دادستان عمومی و انقلاب شوش با اعلام این خبر عنوان کرده که زندانی مذکور از بابت اتهام قتل یک مامور نیروی انتظامی به اعدام محکوم و حکم وی در دیوان عالی کشور تایید شده بود. اعدام ها و پرونده سازی های واهی بخشی از سیستم سرکوب و جنایت حکومت اسلامی است. بر اساس گزارش سالانه مرکز آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران در بازه زمانی (اول ژانویه ۲۰۲۱ تا ۲۰ دسامبر ۲۰۲۱) دستکم ۲۹۹ شهروند اعدام شدند و ۸۵ تن دیگر به اعدام محکوم شدند. از جمله اعدام شدگان باید به اعدام ۴ کودک-مجرم اشاره کرد. بنا بر همین گزارش بیش از ۸۸ درصد اعدام های صورت گرفته در ایران توسط دولت یا نهاد قضایی اطلاع رسانی نمی‌شوند که نهادهای حقوق بشری اصطلاحاً آن را اعدام "مخفیانہ" می‌خوانند. هم اکنون یک جنبش قدرتمند علیه اعدام در ایران جاری است. جنبشی که صدای آن جهانی شده است. باید وسیعاً به این کارزارها پیوست. بساط این حکومت سرکوب و اعدام را باید جارو کرد.

هجوم گرد و غبار و طوفان خاک به خوزستان

از ساعات اولیه صبح روز جمعه ۱۳ اسفند ماه بار دیگر خوزستان زیر آوار گردوخاک قرار گرفته است. آغاز بروز این بحران به سال ۱۳۸۲ برمی‌گردد، بحرانی زیست‌محیطی که با سلامتی مردم کاملاً مستقیم در ارتباط است. پروژه‌های غیر استاندارد سدسازی، استفاده بی‌رویه از منابع آبی، نوع کشت و کار و ... باعث خشکیدگی و کاهش رطوبت خاک شده است. علاوه بر این در سال‌های اخیر، خشک‌کردن تالاب هورالعظیم

فریب «درصد» را نخوریم!!

آن‌ها در افزایش مزد فقط از درصد حرف می‌زنند و این فریب و محدودیت بزرگی است. اعداد و درصدها از قدرت و توانائی معیشتی مردم چیزی نمی‌گویند. به حقوق یک بازنشسته حداقل بگیر، ۱۰۰ درصد هم افزوده شود باز زندگی اش زیر خط فقر است. زیرا «درصد» در

اخباری از خوزستان

۱۴ اسفند



کمیته سازمانده - واحد خوزستان
حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

انصاری فر یکی از جانب‌اختگان اعتراضات آبان ۹۸، کماکان در زندان این شهر در بازداشت بسر می‌برند. امین انصاری فر در تاریخ ۳۰ بهمن ماه، در پی مراجعه به دادسرای عمومی و انقلاب بهبهان بازداشت و به زندان این شهرستان منتقل شد. همچنین روز یکشنبه ۱ اسفندماه، آرمان انصاری فر توسط ماموران اداره اطلاعات در منزل خود بازداشت و نخست به بازداشتگاه این نهاد امنیتی و نهایتاً به زندان بهبهان منتقل شد. به گفته خانواده این بازداشت‌شدگان، اتهام آرمان انصاری فر "تبلیغ علیه نظام" عنوان شده و این شهروندان هم اکنون از حق ملاقات با خانواده محروم هستند. امین انصاری فر پیشتر طی ابلاغیه ای جهت دفاع از خود در خصوص اتهامات انتسابی به شعبه ۴ بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان بهبهان به ریاست قاضی کاظم طیب احضار شده بود. اتهام مطروحه علیه وی "تبلیغ به نفع گروه ها یا سازمان های مخالف نظام جمهوری اسلامی" عنوان شده است.

بعلاوه آرمان انصاری فر در تاریخ ۲۳ آذرماه امسال طی ابلاغیه ای به شعبه چهارم بازپرسی دادسرای بهبهان احضار شده بود.

هم اکنون کارزاری برای آزادی بازداشت شدگان آبان در جریان است. دادگاه بین المللی مردمی آبان داگاهی در محکومیت جنایات حکومت اسلامی در سرکوب جنایتکارانه خیزش مردمی در آبانماه بود. بازداشت شدگان آبان و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

اجرای حکم اعدام یک زندانی در زندان دزفول

صبح روز پنجشنبه ۱۲ اسفندماه، حکم اعدام یکی از زندانیان در دزفول توسط جنایتکاران جمهوری اسلامی اجرا شد.

اعتراضات کارگری در استان خوزستان همچون دیگر شهرها گسترده است. روز ۱۲ اسفند کارگران کارخانه پارس در هفت تپه برای هشتمین روز متوالی در اعتراض به سطح نازل حقوقها، مشکلات معیشتی و کاری شان دست از کار کشیدند و در محوطه شرکت تجمع کردند. افزایش حقوقها، حذف شرکت های پیمانکاری مستقر در شرکت و برخورداری از قراردادهای دائمی و مستقیم با شرکت سه خواست فوری این کارگران است. در این شرکت ۸۰۰ کارگر به کار اشتغال دارند.

همچنین در روز ۹ اسفند کارگران فصلی نیشکرهفته تپه در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و به پایان رسیدن موعد قراردادهایشان تجمع کردند و با شعار دادن خواستار تمدید قراردادهایشان شدند. کارگران فصلی نیشکر هفت تپه بارها در رابطه با این موضوع و با خواست دائمی شدن قراردادهایشان تجمع و اعتراض داشته‌اند. بعلاوه در هشتم اسفند در پاسخ به فرخوان ۳۱ تشکل مستقل بازنشستگان به تجمعات سراسری، بازنشستگان در شهر اهواز و شوش و هفته تپه نیز تجمع داشتند. در این روز بازنشستگان فولاد در اهواز هم تجمع داشتند. تعیین مزد بر مبنای هزینه های واقعی زندگی متناسب با هزینه واقعی سبد معیشت خانوار و افزایش آن طبق تورم واقعی، بیمه درمانی کارآمد و رایگان، پرداخت دیون دولت به صندوق بازنشستگی و برگرداندن پولهای به سرقت رفته به این صندوق، پرداخت عیدی برابر دو ماه حقوق و آزادی اسماعیل گرامی و دیگر زندانیان از جمله مطالبات اعلام شده بازنشستگان است.

تداوم بازداشت امین و آرمان انصاری فر در زندان بهبهان

امین انصاری فر و آرمان انصاری فر، شهروندان ساکن بهبهان و پدر و برادر فرزاد

پیام پروین محمدی عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران به مناسبت ۸ مارس ۲۰۲۲ روز جهانی زن



مانده فقط و فقط جهت تضمین بقای بردگی مزدی و استثمار است. این بساط باید برچیده شود. نه به بردگی مزدی

نه به تبعیض و نابرابری زنده باد رفاه و آزادی و برابری برگرفته از مبدیای اجتماعی

“هشت مارس روز جهانی زن را به همه زنان و مردان کارگر و انسانهای شریفی که دل در گرو رهایی بشریت از ستم و استثمار و تبعیض و نابرابری دارند و به همه انسانهای تحت ستم جنسی تبریک می‌گویم.

به رغم سلطه سیستم سرمایه داری بر زندگی بشر امروز که از بیش از دو قرن پیش، با شعار آزادی و برابری محقق شد حاکمان و کارفرمایان نظم نوین (سرمایه داری) بنا بر ماهیت ضد انسانی این نظم، قوانین ضد زن و سنن پوسیده قرون گذشته را بطور مداوم باز تولید و علاوه بر

بیانه عمومی به مناسبت 8 مارس، روز جهانی زن



به همین خاطر سالانه ده ها زن به دست شوهران و مردان خانواده ها به جرم علاقه داشتن به کس دیگری و داشتن رابطه خارج از ازدواج به قتل می رسند و چنین جنایاتی تحت عنوان غیرت مردانه و دفاع از ناموس توجیه می گردند.

مونا حیدری یکی از آخرین قربانیان جنایت دفاع از ناموس بود. این جنایات باید متوقف شوند. 8 مارس بهترین فرصت و مناسبت برای سراسری کردن اعتراض به قتل های ناموسی است.

امضاء کنندگان این بیانیه ضمن آرزوی برگزاری مراسمات باشکوه 8 مارس در سراسر ایران، خواهان تحقق فوری خواسته های زیر می باشند.

1- لغو فوری قوانین ضد زن

2- به رسمیت شناسی و قانونیت یافتن حقوق برابر زنان با مردان در همه شعور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حقوقی

3- مجازات قاتلین ناموسی زنان مطابق با معیارهای مدرن بین المللی

4- زن صاحب جسم خود است، نباید هیچ زنی به خاطر داشتن روابط خارج از ازدواج مجازات شود. زن حق دارد در یک رابطه آزاد و برابر و بر اساس عشق و علاقه، شریک زندگی خود را انتخاب کند

5- قانونی شدن حق طلاق و حق حضانت برای زنان

6- ممنوعیت هر گونه نمایش و تبلیغات ضد زن و ترغیب کننده اعمال خشونت نسبت به زنان از قبیل ناموسپرستی در

عراق در آسیا و کشورهایمانند سومالی در آفریقا زن ناموس و جزو اموال مرد محسوب می شود.

ناموس حکم قتل زن در چنین کشورهایی است که قانوناً در دست مرد می باشد تا در صورت تخطی از سنن و باورهای ارتجاعی خانواده به اجرا گذاشته شود.

بختک این سنن و باورها توسط حکومتها بر فراز سر زنان به حرکت در آمده و سایه به سایه، زنان را تعقیب می کند.

در کشورهایی مانند ایران به خاطر ممنوعیت رابطه آزاد اجتماعی میان زن و مرد، زنان حق انتخاب همسر ندارند و در صورت پشت پا زدن به سرنوشتی که مطابق سنن و قوانین ضد زن برایشان رقم زده اند، توسط شوهران و مردان خانواده ها به شیوه های فجیع و وحشیانه از قبیل خفه کردن، سر بریدن و سوزاندن به قتل می رسند.

این جنایات از نظر قوانین حکومتی نه تنها مشمول مجازات های سنگین نمی شوند، بلکه به پشتوانه تبلیغات زن ستیزانه و ترویج غرور مردانه و ناموسپرستی، به یک نرم در جامعه تبدیل شده است.

روز جهانی زن، یادآور رشادت ها و جنگاوریهای زنان و مردان برابری طلب در سطح بین المللی است. این روز مناسبتی جهانی برای تجدید پیمان آزادیخواهان و برابری طلبان و بشریت متمدن برای پایان دادن به تبعیض جنسیتی است.

زنان نیمی از جامعه بشری هستند که دارای آمال ها، نیازها و عواطف و احساسات جهانشمول انسانی می باشند. این حقوق و ویژگیهای جهانشمول که بر طبق مصالح و منافع نظام های طبقاتی نقض و نادیده گرفته شده اند، باید به زنان جوامع اعاده گردند.

ستم بر زن اولین ستم طبقاتی است که پایه و اساس آن نابرابری اقتصادی می باشد. امروز ستن بر زن حتی در جوامع پیشرفته صنعتی تحت حاکمیت سرمایه داری جزیان دارد. زیرا اساس سرمایه داری نابرابری اقتصادی است. اما در جوامع غیر پیشرفته و تحت حاکمیت هایی که قوانین حکومتیشان را از افکار، باورها و ایدئولوژی های عهد عتیق استخراج کرده اند، این ستم بوی خون می دهد.

در جوامعی مانند ایران، افغانستان و



سپیده قلیان

بی‌قید و شرط باید آزاد شود

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

رای نجات سپیده‌قلیان از چنگال حکومت اسلامی را در دستور بگذارند. حزب از نهادهای بین‌المللی می‌خواهد که جمهوری اسلامی را برای آزادی فورسپیده قلیان تحت فشار قرار دهند.
حزب کمونیست کارگری ایران
۹ اسفند ۱۴۰۰، ۲۸ فوریه ۲۰۲۲

جان سپیده قلیان در خطر است!

وضعیت سلامتی سپیده قلیان که در زندان به کرونا مبتلا شده است بسرعت رو به وخامت گذاشته است و جان او در خطر است.

سپیده قلیان از بازداشت شدگان اعتراضات کارگری هفت تپه است که قبلاً باره توسط ماموران امنیتی به خاطر فعالیتهایش در حمایت از اعتصاب کارگران هفت تپه زندانی شده و مورد آزار و شکنجه قرار گرفته بود. او در مرداد ماه امسال در یک مرکز صی کوتاه بسر میبرد که با حمله نیروهای امنیتی به خانه اش مجدداً بازداشت شد.

او که بیش از دو هفته است از تب، بدن درد، اسهال، استراغ و کلیه درد رنج می‌برد و خونریزی معده دارد، به قرنطینه زندان منتقل شده است. علیرغم تلاش خانواده

حزب کمونیست کارگری ضمن اعلام نگرانی جدی از وضعیت سپیده قلیان به فعالین کارگری، مدافعین حقوق زندانیان و فعالین آزادی‌زدانیان سیاسی، مادران دادخواه و نهادهای سیاسی و احزاب و سازمانها فراخوان میدهد به هر شکل ممکن تلاش ب

فوری دستمزدهای ماه بهمن و اسفند پرداخت همه طلبهایشان تا پایان سال است. این اعتصاب فردا شانزدهم اسفند نیز ادامه خواهد داشت. در فراخوانی کوتاه به این اعتصاب این کارگران اعلام کرده بودند: "آخر سال است و پیمانکاران در توطئه نپرداختن دستمزدها هستند. و نه تنها این بلکه از عیدی و پاداش هم خبری نیست. پیمانکاران متحد شده اند که دستمزدها را فقط تا پایان ماه ۹ بدهند و پرداخت سه ماه دیگر را به سال ۱۴۰۱ موکول کنند. ما کارگران نفت این تعرض آشکار را نمی‌پذیریم."

بدین ترتیب بار دیگر مراکز نفتی به تلاطم افتاده و کارگران پیگیر مطالباتشان هستند.

اعتصاب کارگران پروژه اسی نفت

کارگران پیمانکاری لیموچی و شرکت سکاف در پالایشگاه آبادان اعتصاب را شروع کردند

بنا به گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، کارگران پیمانی لیموچی و شرکت سکاف در پالایشگاه آبادان امروز ۱۵ اسفند دست به اعتصاب زده اند. این شورا روز گذشته از فراخوان اعتصاب در پارس جنوبی، پالایشگاهها و پتروشیمی‌ها در روز ۱۵ اسفند خبر داده بود. اعتصاب جاری در اعتراض به تصمیم مدیریت برای تعویق پرداخت دستمزدها و آذر و بهمن و اسفند تا آغاز سال ۱۴۰۱ صورت گرفته است. بنا بر این فراخوان این کارگران در دو روز پانزدهم و شانزدهم اسفند دست به اعتصاب میزنند و در کارگاههایشان تجمع خواهند داشت. استارت این اعتصاب امروز پانزدهم اسفند با اعتصاب در پیمانکاری لیموچی در پتروشیمی بوشهر و نیز در پالایشگاه آبادان در شرکت سکاف زده شد و کارگران وارد اعتصاب شدند. خواست فوری این کارگران پرداخت

۱۵ اسفند ۱۴۰۰، ۵ مارس ۲۰۲۲

از صفحه ۱۰

بیانه عمومی به مناسبت ۸ مارس...

- مجموع عمومی و رسانه‌های رسمی و غیررسمی
- ۱- آزادی کلیه زندانیان سیاسی اعم از زنان، کارگران، معلمان، نویسندگان، محیط زیست و غیره
 - زنده باد ۸ مارس امضاء
 - ۱- انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه
 - ۲- سندیکای نقاشان البرز
 - ۳- ندای زنان ایران
 - ۴- گروهی از رانندگان تاکسی شهرک ظفر کرمانشاه
 - ۵- گروهی از فارغ‌التحصیلان بیکار دانشگاه رازی کرمانشاه
 - ۶- گروهی از کارگران جوشکار شهرک امام کرمانشاه
 - ۷- گروهی از ورزشکاران رزمی کار کرمانشاه
 - ۸- گروهی از مهندسان نرم‌افزار پاساژ میرداماد کرمانشاه
 - ۹- گروهی زنان خانه‌دار سنندج
 - ۱۰- گروهی از زنان کوهنورد سنندج
 - ۱۱- گروهی از کارگران جوشکار لوله گاز خانگی سنندج
 - ۱۱- گروهی از کارگران ساختمانی خیابان هفده شهریور سنندج
 - ۱۲- گروهی از دستفروشان سنندج
 - ۱۳- گروهی از کارگران نقاش ساختمانی سقز
 - ۱۴- گروهی از کارگران لوله کش ساختمانی سقز
 - ۱۵- گروهی از کارگران برق کار ساختمانی سقز
 - ۱۶- گروهی از کارگران بیکار محله تپه شافعی سقز
 - ۱۷- گروهی از کارگران بیکار محله کریم آباد سقز
 - ۱۸- گروهی از کارگران بیکار محله تپه ملان سقز
 - ۱۹- گروهی از کارگران بیکار محله برد بران سقز
 - ۲۰- گروه تعمیرات فولاد صبا اصفهان
 - ۲۱- گروه فلزکاران شهرک صنعتی سگری اصفهان
 - ۲۲- صنف ساخت ماشین‌آلات صنعتی گروه مینا اصفهان
 - مارس ۲۰۲۲ (از مدیای اجتماعی)



هشت مارس طلایه دار فریاد بیهیض

بیش از یک قرن است که مردم سراسر جهان، هشت مارس را روز جهانی زن تعیین کرده‌اند.

هشت مارس از اعتراض زنان کارگری آغاز شد که علیه شرایط کاری و دستمزد به میدان آمدند و توانستند پیروزی خود را به پرچمی برای رفع تبعیض در سراسر جهان بدل سازند.

اما پرچم هشت مارس در جامعه ایران با برگزاری باشکوه ترین تظاهرات علیه حجاب اجباری در اسفند ۵۷، برافراشته شد و با فریاد حقوق جهانشمول برای زنان، سرآغاز جنبشی شد که تا به امروز برای داشتن یک زندگی انسانی مبارزه می‌کند.

جنبشی که تبعیض و جداسازی جنسیتی را مسبب جهنمی می‌داند که منافع مناسبات آپارتایدی حاکم را تأمین می‌کند.

مناسباتی که آپارتاید جنسیتی را برای نابودی هویت انسانی زنان و کل جامعه برپا کرد و نتیجه آن را در نابودی منزلت انسانها می‌بینیم.

کرامت انسانی زنان را با حجاب اجباری به بند کشیدند و زنان را از تمام حقوق اولیه یک انسان محروم ساختند.

زنان را در قوانین، به کالا و برده ای بدل ساختند که اختیار هیچ انتخابی را ندارند.

جنایت کودک همسری را قانونی کردند و مسبب قتل های بی شماری شدند.

اما زنان هرگز سکوت نکردند و به بردگی تن ندادند و در سایه نداشتن حق طلاق و انتخاب زندگی در شان انسان، چاره ای جز عصیان ندیده و با شکستن تابوهای تحمیل شده بر زندگی شان در واقع با مناسبات ضد زن در افتادند.

قانون، حکم مرگشان را به جرم سرکشی و به نام ناموس داده بود و حاصل آن کشته شدن زنان در قتل های ناموسی است

هشت مارس دادخواه زندگی زنانی است که کودکیشان با مهر همسری نابود شد و جوانی شان به یغما رفت!

دادخواه زندگی زنانی که قربانی خشونت و اسید پاشی و قتل می‌شوند.

هشت مارس دادخواه خون مونا حیدری است.

که جهنم حاکم بر زندگی را تحمل نمی‌کند و برای برون رفت از تمام قوانین و سنت های حاکم بر زندگی، قید و بند ها را پاره کرده تا خود را رها سازد. هرچند با شقاوتی بی نظیر خونسش بر زمین ریخته شد اما گل های سرخی از مرگ وی جوانه می‌زند.

جوانه هایی که جنبش "می تو" را از سراسر جهان به ایران می آورد و جنبش "نام من کو" را از زنان افغان با هویت من کو "در ایران پیوند می‌زند. و جنبش نوین رهایی زن را اعلام می‌کند.

امسال در شرایطی هشت مارس را بزرگ می‌داریم که فریاد علیه تبعیض به غرش معلمان این سرزمین بدل گشته و دفاع از مطالبات زنان و حق خواهی از آنان در مناسبات ضد زن حاکم، به فریاد همگانی بدل شده است.

امروز جنبش زنان و مطالبات برحق و انسانی آن با دیگر جنبشهای مطالباتی این سرزمین پیوند ناگسستی دارد و تا ریشه کن کردن بساط ظلم و نابرابری از پای نخواهد نشست.

مطالبات جنبش زنان:

۱- تبعیض علیه زنان در تمامی قوانین حقوقی سیاسی، اجتماعی، قضایی، شغلی و تحصیلی رفع شود و برابری کامل زن و مرد تضمین شود.

۲- لغو همه قوانین، سنت و رسوماتی که موقعیت جنس دوم و شهروند درجه دو را بر زنان تحمیل می‌کند. هر گونه تعدی و سوء استفاده و بهره کشی جنسی از زنان تحت هر عنوان باید ممنوع شود.

۳- ممنوعیت ورود زنان به استادبوم لغو شده و زنان بتوانند در تمامی رشته های ورزشی فعالیت داشته باشند.

۴- امنیت زنان در برابر هرگونه خشونت و تعرض و تجاوز در محیط های کار و خیابان و در چهارچوب خانواده، تضمین شود و علیه متعرضین به زنان در تمامی

اشکال جسمی، روحی و کلامی اعلام جرم شود و قربانیان تجاوز و خشونت های خانگی و اجتماعی مورد حمایت های قانونی قرار گیرند.

۵- خشونت علیه زنان از آزار و اذیت ها تا قتل های ناموسی جرم تلقی شده و مسبب آن تحت پیگرد قانونی قرار گیرد و ختنه زنان ممنوع شود.

۶- حجاب اجباری لغو گردد و بی حرمتی و خشونت قانونی به زنان در خیابان تحت عناوین طرحهای عفاف و حجاب که دستمایه انواع خشونت به زنان می‌شود، متوقف شود و همه احکام زندان معترضان به حجاب اجباری و قوانین ضد زن فوراً و بی قید و شرط لغو گردد

۷- برای حفظ حرمت و شان انسانی زنان و جلوگیری از رشد روز افزون آمار زنانی که به واسطه فقر و نداشتن حمایت های اجتماعی به گرداب مافیای تن فروشی و قاچاق می‌افتند و به تمام زنان بیکار حقوق بیکاری پرداخت شود.

۸- تبعیض و تفکیک جنسیتی در موقعیت های شغلی و تحصیلی لغو گردد و زنان از مزد برابردر ازای کار برابر با مردان برخوردار باشند و حداقل دستمزد مطابق با تورم افزایش یابد

۹- زنان باید از حق طلاق و حضانت فرزندان و سفر و اختیار شغل و باقی حقوق فردی برابر با مردان برخوردار باشند و ازدواج کودکان ممنوع اعلام شود.

۱۰- زنان باید از هویت شهروندی برابر با مردان برخوردار باشند تا بتوانند برای

فرزندان خود ثبت هویت کرده و شناسنامه دریافت کنند.

۱۱- تمامی زنان فاقد بیمه های درمانی باید از درمان رایگان، از قبیل انواع واکسیناسیون همگانی، مطابق با استانداردهای جهانی و بیمه کارآمد برخوردار باشند و بتوانند فرزندان شان را تحت پوشش بیمه خود قرار دهند.

۱۲- خرید سسکس جرم تلقی شده و خریداران سسکس تحت پیگرد قانونی قرار گیرند.

۱۳- تمامی زنان معتاد و کارتن خواب مورد حمایت قانونی و رفاهی قرار گیرند.

۱۴- به رسمیت شناختن حق تشکل یابی و توقف سرکوب فعالین زنان و لغو احکام صادره علیه فعالین

۱۵- هشت مارس به عنوان روز جهانی زن به رسمیت شناخته شود. حق برگزاری مراسم این روز بدون نیاز به مجوز و بدون قید و شرط تضمین شود.

زنده باد هشت مارس روز جهانی زن
زنده باد برابری
مارس ۲۰۲۲، اسفند ۱۴۰۰
ندای زنان ایران

بیانه مشرک خد نشل متقل بمناسبت ۸ مارس ۲۰۲۲

چند تشکل از فعالین زن، بازنشستگان و کارگران طی بیانیه ای جمعی هشت مارس روز جهانی زن را گرامی داشتند. در بخش پایانی این بیانیه چنین آمده هاست: «ما زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب ضمن محکوم کردن قوانین ضد زن و نابرابر، خواستار برچیده شدن این قوانین که دست مردان را برای تعرض و کشتار زنان باز گذاشته و خود را مالک جان زنان و فرزندان میدانند، همچنین منع حجاب اجباری، و در مجموع حتی برابر با مردان از هر لحاظ (مزد برابر، در حد رفاه کامل و تأمین همه نیازهای انسانی، حق طلاق، حق حضانت فرزند، رهایی از کارخانگی و همه عرصه های نابرابری) را مجدداً خواستاریم و ذره ای تا دستیابی به تمامی حقوق حقه خود پا پس نمی‌کشیم!

خشونت برنامه ریزی شده علیه زنان برچیده باد، ۸ مارس "روز جهانی زن" نماد مبارزه ی پیگیر جنبش زنان علیه همه مناسبات تبعیض آمیز!

امضا کنندگان: کانون گفتگوی بازنشستگان تأمین اجتماعی، گروه اتحاد بازنشستگان، ندای زنان ایران، گروه معلمان و کارگران ۱۹ اسفند، گروه بازنشستگان مستقل تهران، شورای بازنشستگان ایران

گفتگوی هشت مارس ندای زنان ایران با یکی از کارگران مشگر هفت تپه



خانم زیلابی هزینه داد و واقعا موثر بود که ما توانستیم نتیجه خوب بگیریم.

۴- تاریخچه هشت مارس روز جهانی زن به مبارزات کارگران زن در نیویورک برمی گردد. شما به عنوان فعال کارگری فکر می کنید چقدر سنت بزرگداشت این روز می تواند در پیشبرد مطالبات همه جامعه نقش داشته باشد؟

۸- هشت مارس از یک جنبش کارگری شروع شد که خانمها در کارخانه در اعتراض به ساعت کاری به خیابان آمدند و خواهان کاهش ساعت کاری شدند، و به نتیجه رسیدند.

این روز به رسمیت شناخته شد و در کشورهای دیگر هشت مارس روز تعطیل هست اما در جامعه ما خیلی کم رنگ است مگر کسانی که مطالعه کنند و بدونند که در این روز اعتراضی صورت گرفته و خیلی بداست که زنان در ایران ندانند که روز جهانی زن چه روزی و به چه علت است.

واقعا زن باید بداند که حقش در جامعه چیه و فکر کند مثل بقیه زنان تابو شکنی کنند و بیایند جلو و مطالبه گری کنند اما جامعه ما محدودیت های زیادی دارد و مسولین مرد هستند و سرکوبگر! جامعه نیاز به روشنگری و نیاز به اطلاع رسانی دارد که یک خانم می تواند مطالبه گری کند، اعتراض کند و در خیابان شعار بدهد.

حق رای آزادانه داشته باشد. به وفور دیدم که رای خانم همان رای آقای خانه است این ظلم است نیاز به روشنگری است امید که روشنگری ها انجام شود که موثر باشد.

#هشت-مارس

کم رنگی دارند. به علت قوانین زن ستیزانه ای که در مملکت جاری است متأسفانه شاهد اتفاقات بد هستیم که منجر به کشتن زنان می شود.

زنی اگر مطالبه به حقی داشته و یا اگر مطالبه اش عرف نباشد و تازه و نو باشد منجر به قتلش می شود.

۳- شما فکر می کنید انتخاب خانم فرزانه زیلابی به عنوان وکیل کارگران چه نتیجه ای برای کارگران هفت تپه داشته است؟

۲- در هفت تپه دو خانم داشتیم که نقش پررنگ و موثری داشتند یکی خانم فرزانه زیلابی که وکیل شجاع و جسور کارگران هفت تپه بود و خانم سپیده قلیان که زن شجاعی که درد جامعه را به تصویر می کشید و به قلم می آورد و همراه کارگران هفت تپه بود که به علت حضور برای کارگران هفت تپه هزینه داد.

کار خبرنگاری و نوشتاری را انجام می داد، آگاهی دادن به خانواده های هفت تپه از شجاعت او بود

خانم فرزانه زیلابی در هفت تپه واقعا خیلی مسائل از جمله هزینه ایاب و ذهاب از اهواز به شوش را خودشون می دادند.

واقعا دفاع می کردند و ۹۹ درصد پرونده های قضایی که برای کارگران تشکیل شد با درایت و راهنمایی های ایشان بود که تیره شد اما متأسفانه در جامعه نمی توانند ببینند که یک خانم اینهمه شجاع و مطالبه گر باشد. و این چنین در کنار کارگران بدون هیچ چشمداشتی قرار گرفتند

ایشان یک الگوی زن مطالبه گر هستند.

هر چه بگویم از ایشان کم گفتیم فعلا پرونده دارند که رای نهایی هنوز صادر نشد که احتمالاً در اردیبهشت ۱۴۰۱ رای نهایی صادر می شود.

امیدوارم که رای منصفانه باشد و برای سرکوب زنان نباشد.

نگاه کوچک شماری و بی ارزش بودن زنان را مشاهده می کنیم که در حق خانمها بی انصافی می کنند.

خوب انجام نشود. خانمها مشکلات خودشون را دارند ممکن است که خانمی سرپرست خانواده باشد باید شاغل باشد، بتواند در جامعه آزادانه کار و درآمد داشته باشد. حق رای، حق انتخاب، حق اظهار نظر داشته باشد. اینها را نادیده می گیرند همانطور که توری سیاست های کلی و قانون اساسی مطرح می شود که رئیس جمهور باید از رجل سیاسی باشد. اینجا زن را نادیده گرفتند. سیاست های کلی و قانون اساسی اینطور باشد.

وقتی زن را محدود کردند نمی توانیم بگوئیم محدود نیستند. جامعه نسبت به زنان دید محدودی دارد و این تاثیر منفی رو زنان و رشد مطالبه گری دارد.

اما کارد به استخوان رسیده و مطالبه گری زنان و معلمین را مشاهده می کنیم که در کنار مردها هستند

در هفت تپه داشتیم که خانمها چندین مورد سخنرانی کردند و خیلی هم روی کارگران تاثیرگذار بود.

صحبت های شجاعانه خانمها باعث شد که کارگرا مصر شدند که به مطالباتشان دست پیدا کنند. اما ورود خصوصی سازی به هفت تپه که ناکارآمد بود و از طریق فساد و رانت بود سال دوم نمایان شد که اینها معیشت کارگران را به

خطر می اندازند و تعداد کمی خانم در هفت تپه به عنوان شاغل مشغول به کار بودند و به علت محدودیت، نقش زیادی را نمی توانستند ایفا کنند. ولی پس از شروع اعتصابات کارگران مطالبات صنفی و کاری خود را بیان کردند. در اولین اعتصاب خانمی شروع به سخنرانی کرد و گفت ما کنارتون هستیم که در بین کارگران شور و شوقی ایجاد شد که خانم هفت تپه ای دارد مطالبه گری می کند که از این مسئله خیلی خوشحال بودند. و خانواده های هفت تپه در سال ۹۷ حضور پررنگی

داشتند. ما فساد می کردیم و واقعا کارگران در کنار خانواده ها و زنان توانستند این مسیر پر مشقت و سخت را بروند

اما متأسفانه در جامعه ما زنان نقش

سلام دوست عزیز فعال کارگران هفت تپه!

ضمن تبریک هشت مارس خوشحالم فرصت گفتگو در این مناسبت مهیا شد.

۱- با عرض سلام خدمت شما و همکاران گرمی که در صدد هستید در جامعه کنونی ما که واقعا در حق زنان اجحاف شده و بیشتر مطالبات آنان نادیده گرفته می شود فعالیت می کنید.

۲- در ابتدا برایمان بگویید از نظر شما به عنوان فعال کارگران هفت تپه، نقش خانواده ها در پیشبرد مطالبات کارگران هفت تپه چگونه بوده؟

۳- در هفت تپه وقتی که خصوصی سازی ورود کرد از قبل هم مطالبه گری هایی بود، پیشروان بودند، روشنگری کردند و خانواده ها در سال ۸۸ خانم ها، بچه ها، دختران کنار مردها برای بقای هفت تپه جنگیدند و مطالبه گری کردند. و انصافا خانمها نقش پررنگی داشتند و توانستند کمک همسرانشان کنند و مطالباتشان را به دست آورند.

۴- به نظر شما خانواده های کارگران چطور می توانند سهم بیشتری در مبارزات کارگران داشته باشند؟

۵- جامعه ما نیاز به روشنگری دارد خانمها حق اعتراض و مطالبه گری در کنار مردها دارند. وقتی که قوانین و سیاست های کلی این محدودیتها ایجاد شود، نقش خانمها و خانواده ها در مطالبه گری کم رنگ می شود.

زنان نیمی از جامعه را تشکیل می دهند و حق زندگی و مطالبه گری دارند اما با سیاست های غلط، محدودیتها ایجاد می شود و بر خانواده که عضو کوچکی از جامعه است تاثیر می گذارد.

حضور کم رنگ زنان در مطالبه گری





گفتگوی هشت مارس ندای زنان ایران با جوانمیر مرادی

با سلام خدمت شما جوانمیر مرادی از فعالین کارگری انجمن برق و فلزکار کرمانشاه

ضمن تبریک هشت مارس روز جهانی زن خوشحالم که به این مناسبت فرصت گفتگو با شما فراهم شده است

۱- به نظر شما با توجه به تاریخچه هشت مارس که از مبارزات کارگران زن کارخانه پوشاک آغاز شد، چقدر مساله تبعیض علیه زنان در مطالبات جنبش کارگری بوده است؟

۲- منم 8 مارس روز جهانی زن را به شما و همه زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب تبریک می گویم.

همانطور که شما اشاره کردید منشا تعیین 8 مارس به عنوان روز جهانی زن، راهپیمایی زنان کارگاههای منسوجات و پارچه بافی نیویورک در اعتراض به شرایط غیر انسانی خود و پایین بودن دستمزدشان در سال ۱۸۵۷ میلادی بود که مورد یورش و ضرب و شتم پلیس قرار گرفتند.

همین زنان دو سال بعد، در همان ماه مارس اولین اتحادیه کارگران را به ثبت رساندند. بعد هم مبارزات زنان ادامه یافت تا اینکه در سال ۱۹۰۸ با هم زنان نیویورک و این بار با جمعیتی ۱۵۰۰۰ نفره در اعتراض به پائین بودن دستمزد و ساعات کارهای طولانی و همچنین برای برخورداری از حق رای دست به تظاهرات زدند. در سال ۱۹۱۱ در دومین سال کنفرانس جهانی زنان در کپنهاگ روز جهانی زن بدون اینکه روزی به این مناسبت تعیین گردد توسط کلارا زتکین زن سوسیالیست آلمانی به ثبت رسید.

من به خاطر طولانی نشدن بحث، بیشتر از این به تاریخچه روز جهانی زن نمی پردازم و به سوال تان پاسخ می دهم که فکر میکنم همین توضیحات تا حد زیادی پاسخ سوال را در خود دارد.

با همین بیان مختصر از تاریخچه روز جهانی زن کاملاً قابل درک است که اساساً روز جهانی زن حاصل یک تلاقی تعیین کننده طبقه کارگر علیه سرمایه داری بوده است.

ثبت روز جهانی زن یک اتفاق مهم و یک نقطه عطف در تاریخ مبارزه طبقه کارگر و به طرق اولی مبارزه زنان کارگر علیه نظام مبتنی بر تبعیض و نابرابری سرمایه داری است. یک عقب نشینی تاریخی سیستم سرمایه داری جهانی در برابر قدرت اتحاد زنان کارگر بوده است. در سیر یک تاریخ هزاران ساله از تبعیض و نابرابری که زنان بیشترین سهم را از بار ستم بردوش کشیده بودند، یک تاریخ و یک دوره جدید و متفاوت آغاز گردید که زن به غل و زنجیر کشیده شده، قدرت گسستن زنجیر اسارتش را درک کرد و حرکتش را شروع کرد.

شروع این تاریخ در دوره سرمایه داری و در نیمه دوم قرن ۱۹ ثبت گردیده است. اما پدیده ستم بر زن، تاریخی هزاران ساله دارد و همزاد مالکیت خصوصی است که بر مبنای آن اولین نهاد اجتماعی مبتنی بر تبعیض و نابرابری یعنی خانواده شکل گرفت. در خانواده بود که برای اولین بار مرد رئیس خانواده و زن و فرزندان را فرمانبردار و حتی فراتر از آن، جزو اموال مرد به حساب آمدند. همین نابرابری سپس مبنای ظهور طبقات اجتماعی قرار گرفت که همگام با تکامل طبقات، شاخه های مختلف تبعیضات نیز مطابق سیستم های تولیدی پدیدار شدند و رشد یافتند. نظام سرمایه داری که آخرین نوع سیستم نابرابری اجتماعی است، مولود اسلاف خود در دوره های گذشته است که به مدرنترین شیوه، تبعیض را حاکم گردانیده است.

۲- به نظر شما وجود سنت برگزاری هشت مارس در شرایط امروز جامعه ایران تا چه اندازه میتواند در پیشبرد مبارزات و تحقق مطالبات زنان موثر باشد؟

۳- سنت برگزاری 8 مارس برای زنان نه تنها در ایران، بلکه در سطح جهانی حائز اهمیت است. در سطح جهانی و حتی در کشورهای پیشرفته دارای دموکراسی پارلمانی که ادعای رعایت حقوق بشر دارند و ژست به رسمیت شناختن حقوق فردی را به رخ شرکای نوع شرقی خود می

کشند، زنان آنگونه که مدعیان دموکراسی غربی می گویند از حقوق برابر در هیچ عرصه، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برخوردار نیستند. شما به دستمزد زنان نگاه کنید که نسبت به دستمزد مردان ۳۰ درصد پائین تر است. حتی به موقعیت زنان در طبقه حاکم و در دم و دستگاههای دولتی شان نگاه کنید، می بینید که هیچ عدالت و مساواتی در زمینه کسب پستهای سیاسی و اقتصادی بین زن و مرد رعایت نمی شود. تبعیض جنسیتی در کل جهان، حال به درجاتی کمتر یا بیشتر وجود دارد و طبعاً به همان میزان هم مبارزات برابری طلبانه زنان در جریان است. روز جهانی زن حتماً برای همه زنان دنیا یک مناسبت برای تجدید پیمان جهانی تارسیدن به برابری است.

اما برای زنان در کشورهایی مانند ایران، این ضرورت بسیار برجسته تر و حیاتی تر است. در کشورهایی مانند کشورهای پیشرفته غربی پایان نظام فئودالی و ارباب رعیتی طی یک روند طبیعی جدال جنبشهای اجتماعی در بتن جامعه و پیروزی جنبش آزادیخواهانه، ضد اشرافیت سلطنتی و ضد قوانین و سنتهای عشیرتی و خرافی انجام و به شیوه انقلابی انجام گرفت. با سرنگونی انقلابی فئودالیسم، کل فرهنگ، باور و ایدئولوژی دست و پاگیر صنعتی شدن و توسعه سرمایه داری و سودآور شدن سرمایه از طریق استثمار نیروی کار آزاد شده از جامعه جارو شد.

زنان بخشی از آن نیروی کار آزاد شده بودند که مجال یافتند به عنوان کارگر آزاد وارد معادله تولید و رابطه کار و سرمایه شوند.

آزاد شدن نیروی کار و قرار گرفتن آزادانه فرد کارگر در مقابل فرد سرمایه دار و برابری حقوقی آن دو گرفتن فرد نسبت به رابطه آقا-نوکر ارباب و رعیت و عدم داشتن خود اختیاری رعیت در نظام پیشین و رهایی اجتماعی از فرهنگ عشیرتی و خرافات، یک دستاورد رو به جلو و مترقیانه بود.

در ایران و کشورهای مشابه جهان

سومی این اتفاق نیافتاد. جایگزینی نظام سرمایه داری با نظام کهنه فئودالی از طریق انقلاب در نتیجه جدال جنبشهای اجتماعی صورت نگرفت و اصلاً علیه فئودالیسم انقلاب نشد. یک جایگزینی خزنه و آرام و از بالا به واسطه دولتهای دیکتاتوری صورت گرفت و کل فرهنگ، سنتها و ایدئولوژی نظام ارباب رعیتی به دستگاه دیکتاتوری مامور پایان دادن به فئودالیسم منتقل گردید. امروز این نوع حاکمیت بسته و سرکوبگر در کشورهای عقب مانده که باید نیروی کارشان ارزان و خاموش بمانند تا حاکمیت سرمایه داری انحصاری جهانی به خطر نیفتد و بتواند فوق سود کسب کند، جزو ضرورت است. موقعیت برده وار امروز زنان ایران جزو میراث نظامهای طبقاتی دوران باستان است که با وجود پیشینه ای از مبارزات آزادیخواهانه از انقلاب ناکام مشروطه تاکنون هنوز به حیات خود ادامه می دهد که بعد از انقلاب ۵۷ به قانون تبدیل شده است.

اما علی رغم حاکم بودن قوانین ضد زن با خشن ترین میزان ممکن، زنان ایران بویژه از انقلاب ۵۷ تاکنون مبارزه ای جسورانه را به جلو آورده اند. امروز یکی از قدرتمندترین مبارزات اجتماعی مبارزه زنان است. روز جهانی زن در ایران به دلیل نقش قطب نمایش در تشخیص مسیر مبارزه برای رهایی از تبعیض و نابرابری و کنار زدن قوانین و سنتهای ضد زن و تاثیرات تاکنونش در ایجاد همبستگی، به یک سنت تثبیت شده تبدیل شده است. به همین دلایل است که هر ساله در آستانه 8 مارس روز جهانی زن با وجود امنیتی شدن فضای جامعه و با وجود شدت گیری تهدیدات، احضارها و حتی بازداشتهای فعالین جنبش زنان، فعالیتهای جسورانه ای برای هرچه گسترده

گفتگوی هشت مارس...

از صفحه ۱۴

تر و هرچه قدرتمندتر برگزار کردن مراسمات به جریان می افتد.

۳_ اخبار هفته های گذشته در باره قتل فجیع مونا حیدری و رفتار فاجعه بار گرداندن سر وی توسط همسرش همه را شوکه کرد، نظر شما در باره فجایع قتل های ناموسی چیست؟

_ قتل های ناموسی ریشه در مناسبات قرون وسطایی دارد. باورهای مردسالارانه، خرافی و ارتجاعی که زن را فاقد عقل سالم و نیازمند به قیم می داند و او را ناموس و مایملک مرد به حساب می آورد شرایط ذهنی در میان بخشهای عقب افتاده جامعه را برای زن کشی فراهم می کند. اما اینها به تهبایی دلیل وقوع قتلهای ناموسی نیستند و نمی شود فقط با بر شمردن این موارد، کل شرایطی را که زن کشی به این راحتی ای که در ایران و کشورهای تحت حاکمیتبهای مشابه میسر می کند، توضیح داد.

این باور و سنتها قرنهاست که مدفون شده اند و بشریت متمدن حتی علاقه ای به یادآوری آنها ندارد. امروز نیاز نظام سرمایه داری مدرن است که باید مردم کشورهای مختلف در گوشه هایی از جهان مانند ایران و افغانستان را با آن درگیر کنند. از این طریق است که دموکراسی سرمایه داری غربی می تواند خود را نسبت به سرمایه داری های مستبد جهان سومی روسفید نشان دهد و مسؤلیت دست پخت خود را بر عهده نگیرد.

باورها و سنتهای به گور سپرده شده ضد زن بدون پشتیبانی قوانین و بدون کاربرد ابزارهای قانونی در دنیای مدرن قرن بیست و یکمی از گور بیرون کشیده نمی شوند و هیچ قاتلی جرات اقدام به قتل و جنایت را پیدا نمی کند. کسی که در خانه خود به همراه برادرش زنی را دست و پا بسته سر از تنش جدا می کند، هیچ جسارتی ندارد. کسی که سر بریده زنش را به دست می گیرد و با آرامش و بدون اضطراب در خیابان می چرخد، به خاطر این است که اطمینان دارد که نه بازداشت می شود و نه مجازاتی در انتظارش هست.

این قاتلین ناموسی اگر احساس کنند که به جرم جنایت مجازات سنگین تحمل خواهند کرد، عطای ناموس را به لقایش خواهند بخشید، همچنانکه وحشی ترین و درنده ترین حیوانات به طور غریزی هنگام احساس خطر عطای شکار را به لقایش می بخشند.

قتل ناموسی و زن کشی مانند هر پدیده زشت اجتماعی دیگر بدون لغو قوانین حمایت کننده آن و وضع کردن قوانین سفت و سخت بازدارنده یقه جامعه را رها نخواهد کرد.

۴_ به نظر شما مساله فقر و نابرابری اقتصادی تا چه اندازه در ایجاد معضلات اجتماعی حوزه زنان موثر میباشد؟

_ اساس هر معضل اجتماعی نابرابری اقتصادی است. کل نظام ها و طبقات اجتماعی بر مبنای تبعیض و نابرابری اقتصادی شکل گرفته اند.

سیستم های طبقاتی در طول تاریخ، جوامع بشری را به طبقات حاکم و محکوم و ثروتمند و فقیر تقسیم کرده اند و تبعیضات اجتماعی از قبیل تبعیض بین زن و مرد، سیاه پوست و سفید پوست و تبعیض قومی، مذهبی و غیره جزو سیاست تفرقه اندازانه و تحمیق کننده مردم جوامع در راستای به تمکین کشاندن فرودستان در برابر صاحبان ثروت و ابزار تولید بوده است.

در کشورهای غربی، اقلیت زنان طبقه سرمایه دار از نظر اقتصادی مشکلی ندارند، چون خود یا به عنوان سرمایه دار در رابطه کار و سرمایه قرار دارند و کارگر را استثمار می کنند و یا خارج از رابطه تولید با خیال راحت از ثروت حاصل از استثمار، مصرف می کنند. اکثریت زنان کارکن نیز امکان کار کردن دارند، اگر چه حقوقی کمتر از مردان را دریافت می کنند که همین شرایط به زنان امکان می دهد تا از نظر اقتصادی تا حد زیادی از مردان استقلال بیابند.

اما در جوامعی مانند ایران، بخاطر محدودیت های فراوان اجتماعی که اکثریت زنان را ناچار به ماندن در خانه و انجام وظایف آشپزی، خانه داری و بچه داری نموده است و امکان نمی یابند که در بازار کار حضور یابند و از نظر اقتصادی دستشان در جیب خودشان باشد، وابسته را به بمب می بندیم و بر سر مردم و



کودکان عراق و افغانستان می کویم و نسل کشی می کنیم. در قانون ما مبارزه با تروریسم هست، اما جانورانی مثل طالبان و القاعده و غیره را پرورش می دهیم، امکانات مالی، لجستیکی و تبلیغاتی در اختیارشان می گذاریم، برایشان کنفرانس می گذاریم، بند و بست می کنیم و دست آخر به جان مردم در مناطقی از جهان می اندازیم تا بکشند، آتش بزنند و توحش و بربریت را حاکم گردانند.

در آمریکا از نظر قانونی محدودیتی برای رئیس جمهور شدن زن نیست، اما فرهنگ زن ستیزی که زن را ناتوان نسبت به مرد به حساب می آورد، از عوامل اصلی رای نیوردن زنان برای ریاست جمهوری است.

همین نگاه و فرهنگ مبتنی بر تبعیض جنسیتی خود ریشه ای اقتصادی دارد. در این تفکر، زن نمی تواند به خوبی از عهده اداره نظام اسنمار گر سرمایه داری برآید. ادعای مدافعین سرمایه داری مبنی بر وجود برابری در ساختار سیاسی سرمایه داری آنگاه که با اقتصاد و منافع اقتصادی مواجه می شود، ریاکارانه بودنش را نمایان می کند.

نابرابری اقتصادی تنه درختی است که همه تبعیضات جنسیتی، قومی، ملی، مذهبی، نژادی و غیره شاخه های روییده بر آن هستند. اما تا ریشه کنی نابرابری اقتصادی، باید علیه تبعیضات جنگید و هر میزان که توازن قوا امکان دهد از تاثیر مخربشان بر زندگی بشر کاست.

از وقتی که گذاشتید سپاسگزاریم و برای شما آرزوی موفقیت می کنیم

_ خواهش میکنم و موفق باشید.

#هشت_مارس

گفتگوی هشت مارس ندای زنان ایران با معصومه نعمتی مادر آنا دائمی که هفت سال در زندان بود



تحت چه شرایطی هستند، زندانیان و خانواده های آنها با چه آسیب هایی مواجه می شوند و مهم تر اینکه خواستیم اطلاع دهیم که صدای آنها خاموش شدنی نیست. حداقل تاثیر اطلاع رسانی و همراهی با زندانی این است که شرایط سخت و فرسایشی که در آن به سر می برند راحت تر سپری می شود. حداقل با این امید که فراموش نشده اند و از سر تنهایی و احساس ضعف، تصمیمات غلط نگیرند. و حکومت هم آگاه است که فقط یک زندانی در طرف مقابل نیست بلکه به یک خانواده باید جوابگو باشد. از شما سپاسگزاریم که در این گفتگو شرکت کردید. #هشت_مارس

۳_ شما به عنوان کسی که حدود هفت سال از زندگیتان را به عنوان خانواده زندانی سیاسی، پشت درب زندان های مختلف برای پیگیری شرایط فرزندان گذرانده اید فکر می کنید اطلاع رسانی از وضعیت زندانی تا چه حد می تواند در بهبود شرایط وی موثر باشد؟

ما به عنوان خانواده یک زندانی سیاسی که همیشه کنار دخترم بودیم، از نزدیک شاهد بودیم که هم اطلاع رسانی ها چقدر تاثیر مثبت در روحیه آنا و حتی هم بنیان او داشت و هم توانستیم صدای اعتراض همه زندانیان سیاسی باشیم، ما با صحبت از دخترمون سعی کردیم به دنیا اطلاع بدهیم که همه زندانیان سیاسی

باشید در این مناسبت مطرح کنید، بفرمایید! ممنونم برای وقتی که در اختیار من گذاشتید موفق و موید باشید.

من فکر می کنم یکی از مهمترین کارهایی که فعالین زن در همه ی حوزه ها باید به صورت اورژانسی انجام دهند سازماندهی زنان و آموزش به زنان برای انجام کارهای گروهی هست. در اخر اگر نکاتی هست که مایل

پیام یک کارگر از ایران به مناسبت هشت مارس

دادند گرمی میداریم. ما زن و مرد برخورد تکلیف میداریم که راه مبارزان راه آزادی را ادامه دهیم و به بساط حکومت ضد زن در ایران پایان دهیم. ما همواره در کنارشان هستیم. عضو کوچک از خانواده حزب کمونیست کارگری بهرام قریب

۸ مارس، هفدهم اسفند را به یاد همه زنانی که در بیدارگاه رژیم واپسگرا به حبس محکوم شدند و در زندانند و نیز زنانی آزاده ای که به خاطر مبارزه علیه آپارتاید جنسی و تبعیض و نابرابری سرکوب و اعدام شدند، گرمی میداریم. ۸ مارس را به یاد مادران داغیده ای که عزیزان خود را در زندانهای رژیم جمهوری فاشیستی اسلامی از دست

آنا دائمی فعال دفاع از حقوق کودک، حقوق زن و علیه اعدام هفت سال در زندان بود و در پنجم بهمن ماه ۱۴۰۰ آزاد شد

سلام دوست عزیز معصومه نعمتی! فکر می کنم عذاب وجدان می گیرم و آرزو میکنم آنها هم هر چه زودتر به آزادی برسند.

۲_ خانواده شما همواره با روحیه سرسخت و متحد در دفاع از مطالبات انسانی، ایستادگی کرده اند. زندانی شدن فرزندان در زندگی شخصی و خانوادگی شما چه تأثیری گذاشت؟

حس آنا تاثیرات زیادی داشت که هم خوب بود هم بد.

تاثیر مثبتش این بود که با حقیقت آشنا شدیم، جسارت پیدا کردیم. ما هم با صدای بلند مطالبات خودمان و مردم را بخواهیم، اعتراض خودمان و حتی خانواده های دیگه رو به گوش دنیا برسانیم و آنا و دوستان آنا را درک کنیم. اما طبیعیه که تاثیرات منفی زیادی هم داشت خصوصاً برای پدر و مادر که مدام در نگرانی و اضطراب و انتظار بودیم، از آسیب هایی که به آنا و خانواده می زدند در عذاب بودیم اما سعی کردیم خشم خودمان را در مسیر اعتراض به کار بیندیم.

ضمن تبریک هشت مارس، همچنین آزادی "آنا دائمی" خوشحالیم فرصت گفتگو در این مناسبت مهیا شد. ۱_ شما به عنوان مادر یک زندانی سیاسی که حدود هفت سال در کنار فرزندان جانانه در بیرون زندان مبارزه کردید، برایمان از احساسات تان در مورد آزادی فرزندان بگوئید؟

همونطور که همه در جریان هستند من از آزادی آنا غافلگیر شدم و بر خلاف میل اصل خبر نداشتم که دخترم آزاد شده، دوست داشتم از قبل آماده باشم، تمام این سال ها منتظر بودم. آزادیش را تصور کرده بودم... ..

ولی آنا غافلگیر کرد، خیلی خوشحالم از آزادی دخترم اما همچنان دادخواه سال های حبس او و آسیب هایی که به او و ما زدند هستیم، درسته که دخترم آزاد شد اما دلم پیش مادرانی ست که هنوز چشم انتظارند یا فرزندان خود را گشته شدند. هم خوشحالم هم به آن مادران که

گفتگو هشت مارس با مژگان باقری... از صفحه ۱۷

معلمان را افزایش دهد و بالاتر از خط فقر بیاورد و ما باید درخواست حقوق بالای خط فقر می دادیم اما الان که بخاطر رتبه بندی آمدیم در خیابون بر آن پایبندیم و اگر این مسئله رتبه بندی به نتیجه مثبت برسد ما در واقع کف مطالبات را مطرح کردیم ما مطالبات زیادی داریم در آموزش و پرورش اما همه ی اینها منوط است که این رتبه بندی به نتیجه برسد چرا که معلمان به قدرت خودشان یه قدرت کار سازماندهی و تشکیلاتی و گروهی و به قدرت تصمیمات شورای هماهنگی پی ببرند و اگر این اتفاق بیافتد معلمان برای کارهای بعدی انگیزه و انرژی مضاعف بدست می

خیلی علاقه به کارهای گروهی و تشکیلاتی ندارم جامعه ای که یا همیشه به صورت توده ای عمل کرده با بصورت ذره ای نه زیاد علاقه داریم نه سوادش رو داریم و نه آموزش دیدیم و نتیجه کارهای گروهی را هم ندیدیم چون آموزشی ندیدیم یک کار گروهی هم انجام می دهیم با شکست مواجه میشویم و می گوئیم پس کار گروهی بلرد نمی خورد و من برم کار انفرادی خود را انجام بدهم من در مورد این مطالبه رتبه بندی معلمان چیزی که همیشه برای همکاران از تابستان تا به حال تاکید کردم این بوده که من خودم شخصا با رتبه بندی مخالفم از این جهت که رتبه بندی نمی تواند حقوق

گفتگو، شش تار س با مژگان باقری...



از صفحه ۱۸

کتابهای پایه هم یک سری موارد استثنایی آموزش ایدئولوژیک هست شنیدم که در کتابهای ابتدایی ۴ عمل اصلی ریاضی را می خوانند با نماز و روزه و عکس شهدا و چیزهایی از این دست یاد دهند. در کتابهای دوره متوسطه کتابهای پایه مثل زبان و ریاضی و علوم تجربی حتی در مثالها مثل کتاب ریاضی که خودم تدریس می کنم تعداد اسامی پسرانه در کتاب ریاضی بیشتر از تعداد اسامی دخترانه است و اسامی به جز موارد معدودی همه مذهبی هستند و آنقدر افکار ایدئولوژیک در کتاب علوم انسانی بیشتر است که من از کتابهای پایه بعنوان موارد استثنایی می گذرم.

۳- در سالهای اخیر ما شاهد حضور گسترده زنان در بیشتر عرصه های اجتماعی و مطالباتی هستیم. بخصوص در جنبش های معلمان حضور معلمان زنان پررنگ می باشد. به نظر شما علیرغم مشکلات بسیار در حوزه قوانین زن چرا شاهد واکنش پیگیر زنان هستیم؟

در مورد حضور زنان در کنش های اجتماعی، فکر می کنم وقفه ای ایجاد شده و حضور زنان از نیمه دهه هفتاد تا تقریباً دهه هشتاد پررنگ بود و یک ده سالی وقفه داشتیم و الان دوباره یک رویش جدیدی داریم از حضور زنان من فکر می کنم از نیمه ی دهه ی هفتاد تا اواخر دهه ی هشتاد که متاسفانه منجر شد به اون مسائل جنبش سبز بدلیل وجود ان جی او و سازمانهای مردم نهاد حضور زنان پررنگ تر بود از دوره دوم احمدی نژاد به این طرف اکثر ان جی او ها رو عملاً منفل کردند و بسیاری را در محیط زیست و جاهای مختلف دستگیر و بازداشت کردند یک ترس و وحشتی ایجاد شد. حضور زنان کم رنگ شد الان شاید چند سالی میشه گفت مخصوصاً در جنبش معلمان حضور زنان از فضای مجازی شروع شده و داره کم کم به خیابان کشیده میشه ولی بنظر من کمی این حضور ناپایدار است یعنی خیلی باید مراقب بود و به عوامل زیادی بستگی دارد

ها رو پر می کند و من می دیدم در کلاس مطالعات من در حالی که یک کلاس باز بود و بچه ها هر چی که دوست داشتند می گفتند شاید نصف کلاس من به شکایت از کلاس تفکر اسلامی می گذشت و یا درس آمادگی دفاعی برای بچه های نهم و بچه ها شکایت می کردند که این اطلاعات به چه درد ما می خورد و ما دوست نداریم اصلاً عقیده نداریم و وقتی سر کلاس سوالی می پرسیم معلمان با تندی جواب می دهند واقعا چه نیازی هست برای بچه های نوجوان در این سن! ما یک زمانی بگذاریم برای تفکر اسلامی و یک زمانی بگذاریم برای آمادگی دفاعی و این دو ساعتی که ما می توانیم برای دخترها و پسرهای نوجوان در این سن کار مفید تربیتی انجام بدهیم این آموزش ایدئولوژیک یعنی چی؟ یعنی اینکه یک حکومت می خواهد اون عقاید مذهبی و سیاسی در واقع مورد نظر خودش را به زور به نسل جدید غالب کند در این مورد سرمایه گذاری می کند و بودجه می دهد در حالی که آمادگی دفاعی عملاً از طرف بسیج برگزار میشود و معلمانی که این درس رو باید تدریس کنند باید بروند در پایگاه های بسیج آموزش ببینند هزینه می گذارند و وقت بچه ها رو تلف می کنند و بچه ها سر کلاس میخوابند فقط برای اینکه آخر سال اعلام بشه این کتاب در مدارس تدریس شده این یک مدل آموزش ایدئولوژیک است یا مثلاً در مطالعات اجتماعی نهم برای دختران 15 ساله در مورد ازدواج و روش همسررداری و روش تربیت فرزندان توضیح می دهند یعنی فکر کنید اینها نمی دونند ما با نسلی طرفیم که این بچه ها با سگ و گربه شون بازی می کنند بله زمانی که ما ۱۵ سالمون بود بهرحال شاید احساس مسئولیتمون از این نسل بیشتر بود زودتر بزرگ شده بودیم و کودکی و نوجوانی نکردیم اما این نسل فرق می کند شما آداب همسررداری یاد می دید آیا واقعا نیاز هست دختر 15 ساله آداب همسررداری بدونه و یه چیزهایی که هیچ مناسبتی با نشون و زمانی که دارند در آن زندگی می کنند نداره اما در مورد

که این حضور در واقع بتواند جای خودش را محکم کند در کنش های اجتماعی متاسفانه از یک طرف ما سرکوب حکومتی رو داریم که برای زنان دردآورتر از مردان است از جهت پایگاه اجتماعی و اون واکنش های خانوادگی مثلاً زنهای متاهل خیلی مشکل دارند هم بدلیل فرهنگی و حتی اگر از نظر فرهنگ خانواده مشکل نداشته باشند از نظر میزان زمانی که می تونند برای این فعالیت ها واقعا وقت کمی هست مثلاً من می بینم همکاران متاهل من که بچه دار هستند واقعا درگیر هستند درگیر شغل در مدرسه و انجام کار در خانه و اینکه از نظر فرهنگی جامعه هم کار نکرده، صدا و سیما منفی کار کرده و مثلاً در سریالهای سالهای اخیر نقش زنان در این فیلمها فاجعه و تاسف بار است که میطلبد تحقیق محتوا و تحلیل اساسی شود و گزارش مدون ارائه شود. اما فضای مجازی کمک کرد به نزدیک شدن زنها به هم و پیدا کردن هم و تا حدی نقش بسزایی داشته الان معلم کم کم همدیگرو پیدا می کنند اگر این سرکوب حکومتی کمتر شود و ترس معلمان ریخته شود و از طرف دیگر سازماندهی درست انجام یسه مثلاً الان وظیفه ای که کانونها و تشکلهای صنفی معلمان دارند اینه که سازماندهی کنند و آموزش دهند که بتوانند این حضور ناپایدار رو تثبیت کنند.

۴- قتل های ناموسی و خشونت علیه زنان مساله هولناکی در جامعه ایران می باشد. شما دلایل این فاجعه را چطور توضیح می دهید؟

در مورد قتل های ناموسی من یک مطلبی هفته ی پیش نوشتم که مفصل است به نام نتوانستن یا نخواستن که می خواهم منتشر کنم و من در این مطلب مشخصاً به این موضوع اشاره کردم که تنها نهادی که میتونه جلوی قتل های ناموسی رو بگیره حکومت است و متاسفانه حکومت

خواسته یا نخواستسته عمداً یا سهواً داره همراهی می کنه و من هیچ دلیلی غیر از این نمی بینم این زیاد شدن قتل های ناموسی حتی معلول عصبانیت و خشم یا پایین آمدن آستانه تحمل مردم جامعه هم نمی دونم یعنی من فکر می کنم قتل ناموسی فرق می کند با یک قتلی که مثلاً دو نفر در خیابان درگیر می شوند از بس آستانه تحملشون پایین است از بس مسائل دیگر به آنها فشار آورده عصبی شدند یهو تو درگیری قتلی اتفاق می افتد اما قتل های ناموسی فرق می کند قتل ناموسی بک جنایت است برای اینکه کاملاً با طرح و برنامه و نقشه صورت می گیرد مثلاً پدر رومینا اشرفی که بخاطر عصبانیت اینکارو نکرد حتی قبلش با یک وکیل مشورت می کند که اگر پدری بچه ش را بکشد حکمش چی هست دیگر این جنایت طراحی شده و برنامه ریزی شده است و اگر این جنایتها زیاد شده و ما زیاد میشنوم خوب یک دلیلش فضای مجازی هست که اخبار به گوشمان می رسد اما دلیل اصلی سکوت عامدانه حکومت است مثلاً مردی که سر همسرش را می برد و در خیابان می چرخاند که خشم و عصبانیت نیست این در واقع می خواهد اقتدار و مردانگی خودش را نشان دهد و یه قول خودش می خواسته از غیرتش دفاع کرده باشد. حکومت در زمینه های مختلفی قوانینش ضدزن هست و متاسفانه زنان بشدت تحت فشارند در چنین حکومتی و اگر این قوانین عوض نشود و اگر این نهادها وابسته به حکومت را تغییر ندهند متاسفانه ما باز هم شاهد قتل های ناموسی بیشتری خواهیم بود. نکته ای که دارم تاکیدم بر سازماندهی هست چه بین معلمان چه زنان و دیگر اقلشار انجام شود برای اینکه ما علاوه بر اینکه حکومت متاسفانه در این چهل و چند سال مانع پیوند گروه های مدنی با هم شده اساساً جامعه ای داریم که اساساً جامعه ی ذره ای شده است جامعه ای که



خودم هم رشته ریاضی و هم جامعه شناسی و هم مطالعات اجتماعی درس دادم در متوسطه اول دیدیم که در کتاب های متوسطه اول که شامل تاریخ جغرافی و مطالعات اجتماعی هست کتابها آمده آنقدر درس اختصاص داده به تاریخ اسلام و اونم تاریخ اسلام مکتب تشیع و من همیشه یکی از سوالات اساسی ذهنم این بود که مثلا اول معلم اهل سنت در سیستان بلوچستان و خوزستان و زاهدان این کتاب رو چطور تدریس می کنند برای بچه ها حالا برای مناطق ما که شیعه هستیم خیلی سوال برای بچه ها بوجود نیامد و یادمه در تلگرام که تازه اومده بود من اولین کاری که کردم در گروه های بزرگ فرهنگی که تشکیل میشد تو گروه ها پیام می دادم که آگه همکاری رشته مطالعات اجتماعی متوسط اول هست به من پیام بدهید و یکی دو نفر از همکاران ازسردشت و سیستان بلوچستان بودند بهشون می گفتم شما واقعا چطور این رو درس می دهید و اونها می گفتند واقعا با مصیبت درس می دهیم به چیزی که خودمون اصلا اعتقاد نداریم بهش خوب این آموزش ایدئولوژیک اینجا مشکل ایجاد می کند یا مثلا کتابی به نام سبک تفکر اسلامی که اینها اصلا یک دوره خاص می گذارند برای دبیرانی که می خواهند این کتاب را تدریس کنند قبلا می گفتند این کتاب را بدهید به معلمای مطالعات اجتماعی بعد دیدند ما هر طور دوست داریم تدریس می کنیم گفتند اون معلم مطالعات اجتماعی هم که بخواد تدریس کند دوره ضمن خدمت بگذرونند و طبق طرح درس که داده می شود کار کند و آنقدر مطالبی در مورد قداست جنگ و دفاع مقدس و انقلاب اسلامی این چیزهایی که ذهن بچه

گفتگو، هشت مارس ندای زنان ایران با مژگان باقری یک معلم

برگرفته از مدیای اجتماعی

گفتگو هشت مارس با مژگان باقری سلام دوست عزیز مژگان باقری! ضمن تبریک هشت مارس روز جهانی زن خوشحالم فرصت گفتگو در این مناسبت مهیا شد.

۱- یکی از مطالبات معلمان در سالهای اخیر موضوع آموزش رایگان است، به نظر شما آموزش رایگان و همگانی به چه معناست؟

در مورد آموزش رایگان برداشت ما همان برداشتی هست که از قانون اساسی داریم اصل ۲۰ قانون اساسی، آموزش رایگان از ۶ سالگی تا ۱۸ سالگی تا دوره متوسطه عمومی الان این قانون ظاهرش هست به اسم وجود دارد ولی چیزی که اینها یکبار آمدند لایحه مدرسه غیرانتفاعی اوایل دهه ۷۰ هفتاد به اصطلاح تصویب کردند و بعد آمدند کم کم مدارس دولتی را هم پولی کردند. اول اسمش کمک به مدرسه بود و خاطرهم هست اوایل که سرکار می رفتم از سال ۷۶ مشغول به کار شدم یک پاکتی به دانش آموز می دادند و می بردن خانه و در آن پاکت یک برگه کمک به مدرسه بود و در آن نوشته شده بود هر چقدر تمایل دارید کمک به مدرسه پرداخت کنید.

ولی در عین حال مدارس سرانه داشتند من خودم سال ۷۷ که مدیر بودم به ازای هر دانش آموز اگر اشتباه نکنم ۲۵۰۰ تومان سرانه دانش آموزی در دو مرحله به حساب مدرسه واریز می شد اما به مرور زمان، این کمک به مدرسه هم اجباری شد هم مبلغش بالا رفت و هم تبدیل شد در شهرهای بزرگ به یک وسیله برای رقابت منفی بین مدیران

چیزی که من از مدیران مدارس در طول تمام این سالهایی که شیراز بودم شنیدم و تمام مدت یازده سالگی که مدارس تیزهوشان و مدارس شاهد بودم که خود این مدارس از سازمان بنیاد شهید یک هزینه ای دریافت می کردند خود این مدارس نمونه دولتی و عادی چیزی که من

شاهد بودم این بود که مدیران مدارس به شدت درگیر رقابت هستند برای گرفتن پول از اولیا و این پول هم متاسفانه مبلغ کمی نیست یک کف هزینه را تعیین می کنند ولی هیچ چیز کتبی روی کاغذ نمی آید چون طبق قانون، پول اجباری غیرقانونی هست و اسمش را گذاشتند مثلا کمک داوطلبانه یا همیاری اولیا! ولی این واضحه که اجباری هست چون اولیا می آیند چون می زنند گریه می کنند اونهایی که ندارند می خواهند کم کنند یا حتی دیگرانی رو واسطه می کنند که به مدیر زنگ بزنند کم کند و در بعضی مدارس اینگونه عمل می شود و در بعضی مدارس دولتی که طرح آدرس هست مثلا یک نفر بچه ش در آن محدوده مدرسه طبق آن طرح آدرس نیست مدرسه ثبت نامش نمی کند و مدرسه حدود سه تومن یا چهار تومن شهریه از بچه ها می گیره اولیا میاد میگه مثلا من هفت تومن میدم ده تومن میدم بچه م رو اینجا ثبت نام کنید و به راحتی ثبت نامش می کنند یا مثلا یک مدرسه ای هست برای خودش طرح ورودی گذاشته معدل میگیره دولتی هست قانونا حق ندارد چنین کاری کند ولی مثلا بچه هایی که میخوان برن ثبت نام کنند میگه که معدل های ۱۸ تا ۲۰ و کسانی که معدلشان پایین هست و می خواهند در اون مدرسه ثبت نام بشند خب میان پولهای هنگفتی می دهند تا ثبت نام شوند و چیز بدتر اینکه وقتی مدیر می ره اداره یک مدیری که به هر دلیلی کمتر پول گرفته و می گه برای فلان مسئله نیاز به پول دارم متاسفانه مسئولین اداره دقیقا این جمله رو بهشون می گند یعنی من این جمله رو از ده ها مدیر شنیدم وقتی میریم اداره و می گیم ما پول نیاز داریم می گن که ببخشید خودت بی عرضه بودی مدیر فلان مدرسه رو نگاه کن چقدر پول جمع کرده یعنی این مدیرها رو می ندازن به جون همدیگه توی رقابت منفی و هر مدرسه ای که حسابش پرتتر باشه مدیر اون مدرسه در واقع محبوب تر است از نظر مسئولین اداره آموزش و پرورش و مسائل فساد مالی که من دیگه

۲- به نظر شما طرح مطالبه آموزش غیر ایدئولوژیک در مطالبات معلمان براساس چه دلایلی طرح می شود. اساسا یک آموزش استاندارد چه ویژگیهایی دارد؟

طبق تجربه خودم می گویم در مورد آموزش استاندارد، ایران کشوری چند قومیتی هست کشوری که از جهت زبانی و مذهبی و قومی بسیار متنوع است من همیشه اعتقادم این بوده و طبق تجربه ۲۷ سال تدریس کسب کردم اعتقادم این بوده که ما نمی تونیم سیستم حکومت مرکزی علی الخصوص آموزش و پرورش جواب نمیده برای کل کشور، برای اینکه ما نمی توانیم یک کتاب واحد رو بنویسیم برای مرکز و این را پخش کنیم در کل کشور یعنی دانش آموزی که در سیستان بلوچستان هست یا دانش آموزی که در کردستان هست یک کتاب رو بخوندند در مورد کتابهای پایه خیلی مشکل جدی نیست البته راجع به این کتابها هم یک سری مشکلاتی وجود دارد اما انچنان جدی نیست و یک سری موارد استثنایی است ولی در مورد کتابهای علوم انسانی خیلی وضعیت فرق می کند چون من

پیام نصرت بهشتی معلم بازنشسته به مناسبت هشت مارس روز جهانی زن



و مرد بر اتحاد با جنبشهای کارگری، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و جنبشهای حق طلب دیگر اقبال جامعه اعلام میکنیم، فشار و محدودیت و اعمال سرکوب و پرونده سازی علیه فعالین این جنبشها وتشکل های مستقل آنها باید ممنوع شود

۱۲- خواستار تامین آزادی بی قید و شرط بیان و اعتصاب و اعتراض و تشکل برای عموم هستیم.

۱۳- خواستار آزادی فوری همه زندانیان سیاسی هستیم.

نصرت بهشتی پیام خود را چنین پایان میدهد: "در پایان به همه انسانهای که برای تحقق خواسته های انسانی و برابری طلبانه تلاش و مبارزه می کنند درود میفرستم و دست همه شما عزیزان را به گرمی میفرشام. به امید روزی که خودسرنوشت خویش را به دست گیرم وزندگی شرافتمندانه در شأن و منزلت انسانی داشته باشیم." (ازمدیای اجتماعی)

انسانی و ضد زن تاکید داریم و برای تغییر قوانین و سنتهای عقب مانده جاری تلاش میکنیم و تمامی قتل های ناموسی راجعیت علیه زنان میدانیم

۸- خواهان تامین زندگی و مسکن مناسب برای دختران و زنان بی پناه و کودکان بی سرپرست هستیم.

۹- بخش عظیمی از جامعه با معضل عدم تامین امکانات معیشت و سلامت و درمان روبرو هستن همچنین مازنان به محدودکردن وسایل جلوگیری از حاملگی و گسترش باورفرزندآوری معترض بوده

با وجود پاندومی کرونا ما تاکید میکنیم دولت موظف به تامین امکانات معیشتی و سلامتی و درمانی و تامین واکنس رایگان و استاندارد برای همه ساکنین کشور است. در روز جهانی زن، از فداکاری پرستاران، پزشکان و کارکنان بیمارستانها قدردانی میکنیم.

۱۰- ما در کنار مبارزات زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب افغانستان برای دستیابی به حقوق برابر زن و مرد در کلیه شئون اجتماعی و مبارزه علیه حاکمیت سیاه طالبان هستیم.

۱۱- ما به مثابه بخشی از جنبش برابری زن

زنان تحمیل میکند. هر گونه تعدی و سواستفاده و بهره کشی جنسی از زنان تحت هر عنوان باید ممنوع شود.

۳- زنان باید از حق انتخاب آزادانه لباس و پوشش برخوردار باشند. تحمیل پوشش و حجاب بر زنان باید لغو شود.

۴- نابرابری های اجتماعی و حقوقی در مورد شهادت، ارث و سرپرستی فرزندان باید از میان برداشته و تعدد زوجات ممنوع شود. زنان در انتخاب همسر، ازدواج و طلاق کاملاً آزاد و باید از حقوق برابر با مردان برخوردار باشند.

۵- پرداخت دستمزد و حقوق برابر برای زن و مرد در قبال کار مشابه.

۶- روز ۸ مارس به عنوان روز جهانی زن به رسمیت شناخته شود. حق برگزاری مراسم ۸ مارس بدون قید و شرط باید تضمین شود.

۷- قتل ناموسی اقدام ارتجاعی قرون وسطایی است. این جنایات روزافزون علیه زنان، با اتکا به قوانین ضد انسانی جاری و سنت و فرهنگ مردسالارانه صورت میگیرد و در پناه قوانین موجود است. ما بر مبارزه همه جانبه علیه این پدیده ضد

نصرت بهشتی از معلمان بازنشسته به مناسبت هشت مارس پیامی داده است. نصرت بهشتی به ۴ سال حبس محکوم شده است. او بعد از چهار ماه حبس بدلیل بیماری شدید کلیوی با وثیقه یک و نیم میلیاردی مرخصی استعلاجی گرفته و تحت درمان است. او هشت مارس را تبریک گفته و در در بخشی از پیام او چنین آمده است: "عزیزان سالهاست که ما زنان دربند قانون نابرابر و خودخواهی ها و تعصبات مرد سالارانه حاکمیت از تمام حقوق حقه خود محروم و متحمل تبعیض و نابرابری بوده که نشأت گرفته از افکار مردسالاری است که بر جامعه توسط حاکمین تحمیل شده که بعنوان یک انسان نمی توانیم آزادانه خود تصمیم گیرنده زندگی خویش باشیم." در ادامه به مناسبت هشت مارس ضمن اشاره به خواسته های فوری زنان و دیگر جنبش های اجتماعی بر تلاش جمعی برای تحقق تاکید میکند. خواسته های مورد تاکید او عبارتند از:

۱- رفع تبعیض از زنان در تمام شئون زندگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی. تضمین برابری کامل زن و مرد.

۲- لغو همه قوانین و سنت و رسوماتی که موقعیت جنس دوم و تبعه درجه دوم را بر

گفتگوی هشت مارس ندای زنان ایران با محمود فرزادی معلم بازنشسته



گفتگو

کودک همسری و دختر کشی از عارضه های عدم عدالت آموزشی اجتماعی در جامعه است.

معلم بازنشسته عضو کانون صنفی معلمان

محبوبه فرزادی

۲- به نظر شما آیا نبود تحصیل رایگان می تواند یکی از دلایل رواج ازدواج کودکان باشد؟ - تحصیل رایگان و اجباری هرچه زودتر باید اجرا گردد، تا مانع از خرید و فروش کودکان "دختر" تحت نام ازدواج گردد. کودک همسری؛ دختر کشی عارضه های عدم عدالت آموزشی اجتماعی در جامعه است. کودک همسری و تبعات اجتماعی آن همه نشان از اجباری نبودن تحصیل رایگان "اصل 30" است. متأسفانه به دلیل نبود استاندارد های لازم در مدارس ما شاهد قربانی شدن معلمان و دانش آموزان در "آتش سوزی کلاس در بیابان و کپر" و

حتی بعد از بازنشستگی برای آموزش سواد آموزی زنان و کودکان کار تلاش کرده اید، برایمان بگویید شما تحصیل رایگان را که از مطالبات معلمان می باشد را چگونه توضیح می دهید؟ تحصیل رایگان و اجباری یک مقوله است که شاخص های: خوردن یک وعده غذای گرم در مدرسه؛ در اختیار قرار دادن کلیه لوازم التحریر اعم از کتاب درسی تا دفتر مداد و داشتن فضای امن و استاندارد و به روز بودن محتوای کتاب های درسی و ... است که با آموزش رایگان متفاوت می باشد.

با سلام دوست عزیز محبوبه فرزادی ضمن تبریک هشت مارس روز جهانی زن خوشحالیم فرصت گفتگو با شما در این مناسبت مهیا شد.

درد به همه زنان جهان:

زنانی که در تمامی عمرشان محرومیت و فقر و تبعیض و خشونت آزارشان می دهد و برای رهایی از بردگی و خشونت جنسیتی همواره در سطح جهان مبارزه کرده اند.

۱- شما به عنوان یک معلم که سالها تجربه آموزش در مدارس را داشته اید و

... هستیم. باید هزینه تحصیلی به دانش آموزانی که خانواده آنان در فقر اقتصادی هستند داده شود تا کودکان مجبور به ترک مدرسه نشوند و راهی خیابان و پیوستن به اردوی بی شمار کودکان کار نشوند و به ازدواج تن ندهند که از وظایف دولت است و باید به وظایفش عمل کند...#هشت_مارس

گفتگوی هشت مارس ندای زنان ایران بانسرين جوادی کارکر باز نشسته



تبعیض و نابرابری نباشد تمامی انسانهای آن جامعه در رفاه، اسایش و آرامش بیشتری زندگی می کنند به همین روی گرمی داشت این روز و تلاش جهت طرح مطالبات و تحقق آن، امر کل جامعه است. رهایی جامعه با رهایی زنان رقم خواهد خورد.

۵_ در آخر ضمن تشکر از شما، نکاتی که مایل باشید در این مناسبت مطرح کنید را بفرمایید!
در خاتمه من به عنوان یک کارگر بازنشسته هشت مارس روز جهانی زن را به تمامی انسانهای تلاشگر که برای رسیدن به برابری انسانها و رفع تبعیض تلاش می کنند تبریک می گویم.
#هشت_مارس

۱_ تشکل ابزاری است برای سازمان یابی و متشکل شدن طیفهای اعتراضی جامعه برای تحقق خواستها و مطالباتشان.

در طول تاریخ انسانها در مبارزات، برای دستیابی به زندگی بهتر، سطحی از سازمان یابی را به خود اختصاص داده اند تا بتوانند مبارزه ی منسجم و متشکلی را در مقابل سرکوب طبقه حاکم به پیش برند.

تشکل و تشکلیابی دستاوردی تاریخی است که تاکنون نشان داده است با این ابزار، قدرت معترضین به شکل چشم گیری افزایش می یابد و تضمین کننده ی احقاق مطالباتشان می باشد به همین دلیل یکی از خواست های اولیه تمامی طیف های اعتراضی، حق ایجاد تشکل مستقل و سراسری است.

۴_ تاریخچه هشت مارس روز جهانی به مبارزات کارگران زن نیویورک برمی گردد شما به عنوان فعال کارگری فکر می کنید چقدر سنت بزرگداشت این روز می تواند در پیشبرد مطالبات همه جامعه نقش داشته باشد؟

۲_ زنان نیمی از جامعه هستند و تحقق مطالباتشان رشد کل جامعه محسوب می شود. رفع تبعیض و نابرابری علیه زنان در تمامی زمینه های حقوقی، سیاسی، اجتماعی، قضایی، شغلی و تحصیلی و در کل برابری زن و مرد، پایه های ابتدایی رهایی است.

این مطالبات مختص یک طیف و بخش نیست بلکه جامعه ای که در آن

مانع مطالبه گری شود باید شاهد جامعه ای ساکت و خاموش می بودیم چرا که حکومت از بدو حیات خود لحظه ای از سرکوب مردم مطالبه گر کوتاهی نکرده و روز به روز بر شدت آن افزوده است.

جامعه هرگز ساکت نمانده و دائم در حال اعتراض و خواهان مطالبات به حق خود می باشد. هر روزه شاهد اعتراضات و تجمعات خیابانی از سوی بخش های مختلف جامعه و طرح مطالبات آن هستیم.

ممکن است ظاهراً سرکوب خشن و خونین اعتراضات، فعالین را موقتا مجبور به سکوت کند اما جامعه بلافاصله خود را بازسازی کرده و در موج اعتراض بعدی با خشم بیشتر و مطالبات عمیق تر به میدان می آید.

۲_ به نظر شما از مهم ترین مطالبات جنبش بانزمنه ها، چه نکاتی را می توان مطرح کرد؟

۱_ بانزمنه ها بزرگان جامعه هستند و معضلات اجتماعی نیز جزئی از مشکلات آنان است به همین جهت خواهان تحقق مطالبات بخشهای مختلف جامعه می باشند.

اما تا جایی که به خواسته های اصلی خودشان برمی گردد مهمترین مطالبه ی بانزمنه ها عبارتند از: افزایش حقوق به میزانی که زندگی خانوار بانزمنه ها از سطحی مناسب از استانداردهای زندگی بشر امروز برخوردار شود، کلیه موانع ایجاد تشکل های مستقل سراسری بانزمنه ها رفع گردد، درمان رایگان با بالاترین سطح استاندارد، پرداخت فوری بدهی کلان دولت به صندوق تامین اجتماعی و برگرداندن اختیار صندوق تامین اجتماعی به صاحبان واقعی و اصلی آن.

۳_ به نظر شما وجود تشکل در پیشبرد مبارزات کارگران و دیگر جنبش های مطالباتی چه تاثیری می تواند داشته باشد؟

با سلام دوست عزیز خانم نسرين جوادی، ضمن تبریک هشت مارس روز جهانی زن خوشحالیم فرصت گفتگو در این مناسبت مهیا شد.

۱_ شما از فعالان کارگری اتحادیه آزاد کارگران ایران هستید و به عنوان یک زن بانزمنه برای احقاق مطالبات کارگران و بانزمنه ها فعال بوده اید و به علت شرکت در مراسم اول ماه مه، پرونده امنیتی برای شما گشوده شده و به تازگی برای گذراندن مدت محکومیت ۵ سال تحت فشار قرار گرفته اید، به نظر شما آیا تا به حال چنین فشارهایی نتوانسته جنبش های مطالباتی را متوقف کند؟

۲_ در ابتدا باید بگویم که از اهداف اساسی هر کشوری حفاظت از ارزش های حیاتی برای امنیت بخشیدن به زندگی اجتماعی و ایجاد رفاه و هم بستگی در جامعه باید باشد.

اما متأسفانه در کشور ما، حاکمیت با وضع قوانین ضد مردمی شرایطی فراهم آورده که من کارگر بانزمنه ها برای ابراز پایه ای ترین خواسته های خود (اعتراض به دستمزد چندین برابر زیر خطر فقر) به ۵ سال زندان بدون پاسخگویی از سوی مقامات مربوطه محکوم می شوم.

در طول تاریخ انسانها در تمامی جوامع برای بدست آوردن مطالبات و بهبود شرایط زیست خود تلاش کرده اند و در مقابل، حاکمین این جوامع با ابزارهای گوناگون سرکوب مقابل اعتراضات و مطالبه گری آنان ایستاده اند.

اما شواهد تاریخی به ما نشان میدهد که در هیچ جامعه ای ابزار سرکوب نتوانسته مانع مطالبه گری و رشد سطح استاندارد زندگی بشریت شود.

انسان قرن ۲۱ گواه روشن این مسئله است که با وجود سرکوب های خونین و گسترده نتوانسته به بسیاری از مطالبات خود دست یابد و کماکان برای زندگی بهتر تلاش می کند.

در ایران نیز اگر سرکوب می توانست

مراسم گرمی داشت هشت مارس، روز جهانی زن

تهران، روز ۱۵ اسفند ۱۴۰۰

